

## گفتمان عدالت در دولت نهم

بهرام اخوان کاظمی\*

### چکیده

بررسی جایگاه عدالت در گفتمان‌های سیاسی، اجتماعی جمهوری اسلامی نشان می‌دهد که این گفتمان‌ها، عملکردهای افراطی و تفریطی داشته‌اند: در گفتمان سازندگی، عدالت تاحدودی مغفول ماند و در گفتمان اصلاح طلبی نیز مسائل اقتصادی، عدالت و ارزش‌ها دچار نگرش تفریطی شد. و در اثر این افراط و تفریط، کشور دچار بی‌ثباتی‌های فراوان گردید. در گفتمان اصول‌گرایی عدالت خواه دولت نهم، با احیای ارزش‌ها و آرمان‌های انقلاب، بر محور دال مرکزی «ولایت»، دال‌های چهارگانه «عدالت گستری»، «مهرورزی»، «پیشرفت و تعالی مادی و معنوی»، و «خدمت‌رسانی» مفضل‌بندی و تلاش شد تا توجه ویژه‌ای به عدالت و عدالت گستری شود. اما در این گفتمان نیز به عدالت، رنگ و لعاب اقتصادی گرفته، اجرای عدالت اقتصادی، دچار مشکلات و شتابزدگی گردید. به نظر می‌رسد، هیچ یک از گفتمان‌های انقلاب اسلامی، نمونه کامل و آرمانی اجرای آرمان‌های انقلاب اسلامی نبوده‌اند. ولی همه آنها در تعاقب یکدیگر بوده، گفتمان‌های بعدی مزیت‌های بیشتری نسبت به گفتمان قبلی داشته‌اند. از این‌رو، می‌توان گفتمان اصول‌گرایی عدالت خواه را، از دو گفتمان قبلی سازندگی و اصلاح طلبی، کم‌عیب‌تر دانست. کلیدواژه‌ها: عدالت، گفتمان سازندگی، گفتمان اصلاح طلبی، گفتمان اصول‌گرایی، تحول اقتصادی، تورم.

## مقدمه

بر اساس آموزه‌های قرآنی، یکی از اهداف بنیادین رسالت پیامبران الهی تحقق عدالت بوده است. به همین دلیل، انقلاب اسلامی ایران هم، به ویژه در خلال سی و یک سال گذشته، همواره تحقق این آرمان سترگ الهی و بشری را وجهه همت خود قرار داده همه گفتمان‌های این انقلاب دینی - کم و بیش- به این آرمان بلند توجه داشته‌اند و در حد توان خویش در تحقق آن تلاش کرده‌اند. البته، بدیهی است که میزان پرداخت هر یک از این گفتمان‌ها به مقوله با اهمیت عدالت از یک نواختی و کمیت و کیفیت یکسانی برخوردار نبوده است. از جمله با روی کار آمدن دولت نهم در سوم تیر ۱۳۸۴، موضوع عدالت به عنوان موضوعی محوری در گفتمان اصول‌گرایان این دولت اهمیت ویژه‌ای یافت. به همین دلیل، گفتمان دولت نهم را می‌توان به «اصول‌گرایی عدالت خواه» موسوم نمود. نوشتار حاضر تلاش می‌کند با طرح این پرسش از نگاه دولت نهم، در حد مقدور جایگاه نظری و عملی موضوع عدالت را در این گفتمان تبیین نماید.

مدعای این نوشتار این است که، به نظر می‌رسد، کلیه گفتمان‌های مهم دوران سی و یک ساله انقلاب اسلامی - ۱۳۵۷ تا ۱۳۸۸- از جمله گفتمان‌های سازندگی، اصلاح‌طلبی، و اصول‌گرایی، در جهت تحقق آرمان‌های انقلاب اسلامی، تلاش نظریه پردازانه و اقدامات عملی خود را با طرح دال‌ها و شعارهای لازم ساماندهی کرده‌اند. ولی به‌طور طبیعی و با وجود موانع و مشکلات تاریخی، ساختاری، عملکردی و... با ناکارآمدی‌ها و ضعف‌هایی مواجه بوده‌اند. یکی از این ضعف‌ها، عدم پرداخت کافی به حوزه نظریه پردازی و نهادینه سازی اجرای عدالت می‌باشد. در حقیقت، می‌توان اذعان نمود که گفتمان اصول‌گرایی عدالت خواه دولت نهم، گام‌های اولیه را در این مسیر با وجود دشواری‌های زیاد برداشته

است. در این گفتمان، موضوع عدالت به شکل مبنایی و در قالب یکی از دال‌های چهارگانه و بنیادین در نظام معنایی و زیر بنای اقدامات اساسی دولت نهم گنجانده شده است. از این رو، می‌توان گفتمان اصول‌گرایی عدالت خواه را، دست کم در حوزه مفصل بندی و ارائه دال‌های خود، از دو گفتمان قبلی کم‌عیب‌تر دانست. توجه این گفتمان به موضوع عدالت و عدالت‌گستری، بسیار افزون‌تر از گفتمان‌های قبلی است. در واقع، عدالت‌خواهی از ویژگی اصلی و مبنایی این گفتمان و نظام معنایی آن، در عرصه داخلی و خارجی به شمار می‌آورد. هر چند این گفتمان نیز در زمینه اجرا و تحقق دال‌های سیاسی و اجتماعی خود - همانند عدالت - با ناکارآمدی‌های مهمی مواجه بوده است. تذاکرات و توصیه‌های مکرر رهبری اشعار بر اهمیت رفع این معایب دارد.

### نگرشی به مفهوم عدالت و گفتمان

#### الف. مفهوم عدالت در اندیشه غربی و اسلامی

از دیر باز تاکنون، یکی از اشتغالات عمده اندیشمندان، جستجوی مبانی عدالت و قانون عادلانه در جامعه بوده است. در فلسفه سیاسی غرب، یکی از مشکلات اساسی درباره مفهوم عدالت، گستردگی تعاریف و برداشت‌ها درباره آن است. یکی از اندیشمندان غربی به نام پرلمان (Prelman) معتقد است، چند معنایی بودن مفهوم عدالت موجب استعمال آن به صور متنوع و مختلط شده است. از این رو، احصای تمام معانی عدالت، و همی بیش نیست. وی چند معنای آشتی‌ناپذیر این مفهوم را به شرح زیر عنوان می‌کند:

۱. به هر کس چیزی یکسان تعلق گیرد.
۲. به هر کس متناسب با شایستگی‌اش چیزی اختصاص یابد.
۳. به هر کس متناسب با کارکرد و تولیداتش چیزی اختصاص یابد.

۴. به هر کس متناسب با نیازهایش چیزی تعلق گیرد.
  ۵. به هر کس متناسب با رده و طبقه‌اش چیزی داده شود.
  ۶. به هر کس متناسب با آنچه قانون برای وی در نظر گرفته چیزی اختصاص یابد.<sup>۱</sup>
- پرلمان همه معانی مزبور را نقد نموده و اشکالات بسیاری را بر آنها وارد می‌سازد. از نظر وی، مفهوم مشترک در معانی فوق از عدالت، در معنای صوری آن، یعنی «عمل به طریقه برابر» نهفته است. وی عقیده دارد که «هم مفهوم انتزاعی عدالت و هم مفهوم انضمامی آن، از حیث معنا متعدد و متکثر هستند؛ زیرا اختلافات ارزشی در گذشته و حال و در کل جوامع و همچنین تغییر ارزش‌های اجتماعی در گردونه زمان، باعث تغییر در رویه اعمال عدالت و مفاهیم انضمامی آن است.»<sup>۲</sup>

برخی در یک منظر عمومی، مشاجره فلاسفه سیاسی غرب، اعم از کلاسیک و مدرن، درباره عدالت را ناشی از تعبیر این مفهوم در سه معنای متفاوت می‌دانند. «به عبارت دیگر، در تعبیر مختلف، عدالت بر یکی از سه اصل زیر استوار است: (۱) برابری، (۲) شایستگی، (۳) نیاز.»<sup>۳</sup> اندیشمند معاصر بریان باری<sup>۴</sup> بر این باور است که، «مفهوم عدالت امروز به نحوی تحلیلی به استحقاق و نیاز وابسته شده است، به طوری که با اِتقان می‌توان گفت: بخشی از آنچه هیوم قواعد عدالت می‌نامید، غیر عادلانه بوده است.»<sup>۵</sup>

نظر کلی آنتونی کوئینتن نیز درباره مفهوم عدالت، شایان توجه است. وی دو نظریه بنیانی و عمومی در این باره دارد که یکی نظریه سلبی و دیگری نظریه ایجابی است:

نظریه سلبی در مورد عدالت این است که، دولت نباید با شهروندان با تبعیض و تفاوت رفتار کند، مگر در صورتی که در زمینه‌های مورد نظر میان خود ایشان تفاوت‌هایی وجود داشته باشد. در حالی که، بنا بر نظریه ایجابی عدالت، دولت

باید در پی آن باشد که نابرابری‌های طبیعی و امتیازات شهروندان را از میان بردارد و یا آن را جبران کند. می‌توان استدلال کرد که، دو نظریه اخیر هیچ گونه تفاوت واقعی با یکدیگر ندارند؛ زیرا همان را که یک طرف نابرابری طبیعی قلمداد می‌کند که دولت باید آن را برطرف کند، طرف دیگر می‌تواند تفاوتی بداند که تبعیض در رفتار دولت را توجیه می‌کند...<sup>۶</sup>

باید گفت: همواره دو مقوله مهم «قدرت» و «ثروت» مورد توجه عدالت‌جویان بوده است. از این‌رو، اجمالاً تاریخ عدالت‌خواهی در مغرب زمین را می‌توان در دو نهضت عمده مشاهده کرد:

«نهضت نخست، حساسیت عمده‌اش را معطوف توزیع عادلانه قدرت در جامعه نمود. این نهضت از اندیشه‌های سیاسی، معرفت‌شناختی و انسان‌شناختی خاصی آغاز گشت و نهایتاً به مشروط کردن قدرت مطلقه انجامید و نظام‌های حکومتی مشروطه و دموکراتیک را معرفی نمود. بدین ترتیب، کانون توجه دموکراسی، قدرت بود و شاخصه مهم عدالت، توزیع عادلانه قدرت به شمار می‌آمد. نهضت دوم، سوسیالیزم بود که در قرن نوزدهم آغاز گشت و در اوایل قرن بیستم به بار نشست. عدالت‌جویی سوسیالیزم بیشتر معطوف به ثروت و قدرت ناشی از ثروت و اشرافیت و مالکیت و تبعیض طبقاتی بود و شاخصه مهم عدالت نزد او، توزیع ثروت محسوب می‌شد.<sup>۷</sup>

البته، امروزه در بیشتر نظریات عدالت در اندیشه‌های سیاسی غرب، نسبیّت و تابع هر نوع ذوق و سلیقه شدن مشاهده می‌شود، به گونه‌ای که بعضی از تعبیر و استنباط‌های جدید از این واژه، فاقد تناسب با معنای لغوی و عمومی آن است. گرچه چنین امری، دامنه نظریه‌پردازی در این حوزه را گسترش زیادی داده است. همچنین درباره مفهوم عدالت تعریف‌ها و دیدگاه‌های متنوع و متعدّدی به وسیله اندیشمندان رشته‌های گوناگون علوم اسلامی، در گذشته و حال، عرضه

شده است. بیشتر این دانشوران اسلامی، به وجود تعریف مفهوم مزبور در متون اسلامی اذعان دارند. به عنوان نمونه، شهید محمدباقر صدر بر این باور است که، تفسیر عدالت در اسلام، به جای آن که انتزاعی و باز باشد، انضمامی و متعین و واقعیتهای زنده و عجین با اسلام است و با بینش تفصیلی آن پیوند کامل دارد.<sup>۸</sup>

برخی از تعاریف کلی مفهوم عدالت که، در نحله‌ها و گرایش‌های مختلف این اندیشه، مانند فلسفه سیاسی، فقه سیاسی، اندرزنامه نویسی، ادبیات سیاسی و تاریخ و فلسفه اجتماعی آمده، بدین شرح است:

۱. عدالت، خصیصه ماهوی نظم بر کائنات.<sup>۹</sup>
۲. عدالت به معنای «وضع کل شیء فی موضعه» یعنی قرار دادن هر چیز در جای خویش.<sup>۱۰</sup>
۳. عدالت به معنای «اعطاً کلّ ذی حقّ حقّه» یعنی حق را به حق‌دار رساندن و ایفای اهلیت و رعایت استحقاق‌ها و نفی تبعیض و عدم ترادف با برابری مطلق.
۴. عدالت به معنای اعتدال‌گرایی، میانه‌روی و رعایت ملکات متوسطه.<sup>۱۱</sup>
۵. عدالت به معنای تعادل سه قوه در نفس و مدینه و سپردن راهبری نفس و مدینه به خرد و خردمندان.
۶. عدالت به معنای راستی و راستکرداری و راست کردن.
۷. عدالت به معنای تناسب و تساوی جرم با مجازات در حوزه قضا.<sup>۱۲</sup>
۸. عدالت به معنای تأمین مصلحت عمومی، به بهترین وجه ممکن و اصلی‌ترین مبنای تأمین عمران و امنیت.<sup>۱۳</sup>
۹. عدالت در مدینه، به معنای تقسیم مساوی خیرات مشترک عمومی.<sup>۱۴</sup>
۱۰. عدالت به معنای «حُسن در مجموع» و کمال فضایل و جور به معنای «مجموعه و تمام رذایل».<sup>۱۵</sup>
۱۱. عدالت به معنای تقوای فردی و اجتماعی و همسازی با نظم الهی حاکم بر طبیعت.

۱۲. عدالت به معنای انصاف.<sup>۱۶</sup>

۱۳. عدالت به معنای عقد و قرارداد اجتماعی افراد، با هدف تقسیم کار در حیات مدنی مبتنی بر شریعت.<sup>۱۷</sup>

۱۴. عدالت به معنای مفهومی همسان با عقل و خرد عملی.<sup>۱۸</sup>

۱۵. عدالت از دید فقها، به معنای ملکه راسخه‌ای که موجب ملازمت تقوا در ترک محرمات و انجام واجبات می‌گردد.<sup>۱۹</sup>

۱۶. عدالت به معنای استقامت در طریق شریعت.<sup>۲۰</sup>

لازم به یادآوری است، برخی از این تعریف‌ها رواج افزون‌تری دارد. از جمله اکثر اندیشمندان اسلامی، اعم از قدیم و جدید، اذعان داشته‌اند که «عدالت به معنای قرار دادن هر چیز در جای خویش و حق را به حقدار رساندن و ایفای اهلیت و رعایت استحقاق‌ها است»<sup>۲۱</sup> به هر حال، این تعریف از اجماعی‌ترین تعاریف درباره عدالت در آراء اندیشمندان متقدم و متاخر اسلامی است.

#### ب. مفهوم گفتمان

مفهوم «گفتمان»<sup>۲۲</sup> در سال‌های اخیر، کاربردهای معنایی متعدد و متفاوتی پیدا کرده است. این واژه در گرایش‌های علمی گوناگون مانند علوم سیاسی، جامعه‌شناسی، نقد ادبی، زبان‌شناسی و ...، این معانی خاص خود را دارد. معمولاً مراد از گفتمان، متن، زبان، سخن و یک رویداد ارتباطی و صورت زبانی است که بخشی از یک شبکه پیچیده اجتماعی، سیاسی و فرهنگی را تشکیل می‌دهد و در موقعیت‌های مختلف، دارای کارکردهای متفاوت در این شبکه است. از سویی، مطالعه گفتمان‌ها و گفتارهای سیاسی و اجتماعی، برای فهم حدود و نحوه تحولات سیاسی، اجتماعی و گستره و میزان ارتباط این تحولات و آتیه‌نگری آنها بسیار حائز اهمیت است. به همین دلیل، تحلیل گفتمانی و نظریات گفتمان،

دارای مکان ارزشمند و بایسته ای در میان علوم و روش های علمی می باشند و با گذشت زمان، بر اهمیت این حوزه مطالعاتی افزوده شده است. باید اذعان داشت که تحلیل گفتمانی یا نظریه گفتمان<sup>۳۳</sup> به بررسی نقش اعمال و عقاید اجتماعی معنادار در زندگی سیاسی می پردازد.<sup>۳۴</sup> به عبارت دیگر، شیوه تحلیل گفتمانی با پرداختن روشمند به نظام های معنایی و آرایش گفتمان ها، تلاش می کند تا باورها و اندیشه های مفصل بندی شده، منضبط و معنادار را، که در قلمروهای سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی قالب ریزی و هویت یافته و متمایز شده اند، مورد شناسایی و ارزیابی قرار دهد و با استفاده از نتایج این روش علمی، به بهینه سازی این گفتمان ها و حیات سیاسی، اجتماعی جوامع مبادرت ورزد. انقلاب اسلامی ایران نیز دارای گفتمان های سیاسی متنوع و متعاقبی مانند گفتمان سازندگی، و گفتمان اصلاح طلبی بوده است. با روی کار آمدن دولت نهم، گفتمانی در جمهوری اسلامی در این دولت شکل گرفت که با تأکید بر اصول و ارزش های انقلابی و اسلامی و تأکید ویژه بر موضوع عدالت، می توان آن را «گفتمان اصول گرایی عدالت خواه» نامید.

#### ب. عدالت در گفتمان های «سازندگی» و «اصلاح طلبی»

در سال های ۱۳۵۷-۱۳۶۸، فضای حاکم بر جامعه به گونه ای بود که بواسطه شور و شعف انقلابی، ایمان استوار دینی و رهبری بی بدیل امام خمینی<sup>ع</sup>، مردم به صورت همه جانبه از نظام سیاسی حمایت می کردند. مردم در شرایط اضطراری آن روز کشور، مطالبات چندانی نداشتند و مشارکت سیاسی فعالانه خود را به مثابه تکلیف شرعی می پنداشتند و در قبال گروه های سیاسی معاند و دشمن مهاجم بعثی، سختی های فراوان و جانفشانی های بسیاری نمودند. در این فضای



ارزشی، مشارکت در انتخابات سیاسی نیز در سطوح بالا انجام می‌شد. در مقابل، توقعات عمومی از نظام سیاسی کمتر مطرح می‌شد بدیهی است. در چنین فضای انقلابی و ارزشی، عدالت خواهی به عنوان یکی از شعارهای اساسی اسلامی و انقلابی، حضور قوی و پررنگی در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی داخلی و بین المللی جمهوری اسلامی داشته باشد. ولی به دلیل اولویت مسائل نظامی و دفاع از کشور، برنامه و گفتمانی منسجم برای تحقق ضابطه مند عدالت در کشور بوجود نیامد تنها دولت تلاش می‌نمود با اِعمال نوعی اقتصاد دولتی و دخالت‌های خود در اقتصاد و انجام اقداماتی مانند توزیع کالا برگ، تهیه ارزاق و مایحتاج عمومی، اجرای عدالت را در مقدرات و توان محدود آن زمان، محقق سازد.

اما در دوره دوم یعنی ۱۳۶۸ - ۱۳۷۶، با پایان جنگ تحمیلی و توجه به ضرورت‌های ناشی از آن و با ارتحال معمار و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، گفتمان جدیدی آغاز شد که با نام دوران یا «گفتمان سازندگی» معروف گردید. پذیرش قطعنامه ۵۹۸ و پایان جنگ عراق علیه ایران، خسارات‌های ناشی از جنگ تحمیلی، بازنگری قانون اساسی، انتظار مردم برای پایان یافتن مشکلات رفاهی، پس از یک دهه تحمل سختی‌ها، روبه سراشیبی بودن اقتصاد سوسیالیستی و فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و تأثیر آن بر سیاست‌های جهانی و از جمله اقتصاد ایران، کاهش سرمایه ملی، تحریم اقتصادی و برخی الزامات بین المللی مبنی بر اصلاح ساختار اقتصادی کشور، از جمله عوامل طرح گفتمان «سازندگی» و آغاز توسعه اقتصادی بر اساس اقتصاد آزاد در قوه مجریه بود.

بدین ترتیب، گفتمان سازندگی و نیروهای تکنوکرات آن زمان به اتخاذ سیاست‌های جدید اقتصاد پرداختند. نکته حائز اهمیت آن است که، در این گفتمان «عدالت اجتماعی» به مرحله پس از افزایش تولید موكول شد و برنامه‌های

تعدیل اقتصادی و افزایش تولید در اولویت قرار گرفت. اتخاذ سیاست‌های سرمایه دارانه خصوصی‌سازی و تعدیل اقتصادی، مهم‌ترین برنامه و راه حل دولت برای رسیدن به جامعه‌ای ثروتمند و آباد در نظر گرفته شد.

با وجود تلاش‌های زیاد و گسترده گفتمان سازندگی، این گفتمان با ناکارآمدی‌ها و انتقادات فراوانی روبرو گردید. از محورهای اصلی این انتقادات بی توجهی به عدالت اجتماعی، توسعه سیاسی، توسعه فرهنگی، طرح یک سویه توسعه اقتصادی و طرح توسعه آمرانه و از بالا به پایین و بی توجه به مردم بود. همچنین از دیگر آفات این گفتمان می‌توان از تقلید الگوهای توسعه اقتصادی غربی و عدم عنایت به محرومیت زدایی و ایجاد محرومیت‌های جدید توسط این گفتمان، نام برده. به تعبیر یکی از فعالان سیاسی، گفتمان سازندگی دارای سه ایراد: بیگانگی با فرهنگ، یک سویه بودن و شتابان بودن آن بود. جالب اینجاست که وجه سیاسی توسعه، بعد از دوم خرداد و گفتمان اصلاح طلبی نیز از این ایراد بعدها برخوردار گشت.<sup>۲۵</sup>

در این دوره، ارزش‌های انقلابی مانند ایثار، شهادت، معنویت خواهی، عدالت طلبی، قناعت و ساده زیستی رفته رفته کمرنگ شد و عواملی مانند تحولات سریع اقتصادی و ایجاد رقابت برای کسب ثروت و بالا رفتن توقعات و امکانات رفاهی، ارزش‌های مادی را در برابر ارزش‌های انقلابی مطرح نمود و نوعی مسابقه کسب ثروت و رفاه زدگی را به خصوص در سطح مدیران میانی دامن زد به دلیل ضعف نظام دیوان سالاری و ناکارآمدی سامانه‌های نظارتی، سوء استفاده‌ها مالی، ارتشاء و اختلاس و سایر پدیده‌های فساد مالی مانند رانت‌خواری، پول شویی، رواج یافت. و این آفت‌ها، دولت را در ارائه و تحقق کامل راهبرد اقتصادی همه جانبه، ناتوان نمود. همچنین در چنین وضعیتی و با

تضعیف ارزش‌های انقلابی و تقویت الگوهای غربی، بحث تهاجم فرهنگی، از سوی منتقدان گفتمان سازندگی، به مثابه «شیخون فرهنگی»، «غارت فرهنگی» و «قتل عام فرهنگی» مطرح شد و بر دفاع از ارزش‌های خودی و، اسلامی و انقلابی تأکید گردید. از منظر منتقدین مزبور، گفتمان سازندگی حتی باعث تغییر هویت شهرها و فضاهای اجتماعی، ظهور سلیقه‌های ناپه‌نچار فرهنگی در میان جوانان و کاهش وفاداری‌های بخش‌هایی از جامعه به «ارزش‌های انقلابی» و «مراجع رسمی اقتدار» شده بود.<sup>۲۶</sup>

لازم به یادآوری است که، کارگزاران سازندگی و بنیان‌گفتمان سازندگی با عدم قبول بسیاری از این انتقادات، از مجموعه عملکرد خود دفاع می‌نمودند.<sup>۲۷</sup> البته، بسیاری از صاحب‌نظرات منصف نیز با قبول انتقادات وارده بر گفتمان سازندگی، پاره‌ای از موفقیت‌های آن را، بویژه در توسعه تأسیسات زیربنایی، (احداث سدها و نیروگاه‌ها، پالایشگاه‌های جدید، توسعه خطوط انتقال گاز، توسعه بخش مخابرات، صنایع مادر و...، غیر قابل انکار دانسته‌اند و می‌توان با آنها هم صدا شد که در این دوره بازسازی اقتصادی و توسعه اجتماعی در دستور کار قرار گرفت. اولویت‌های امنیتی و تخصیص منابع به گونه‌ای تغییر یافت تا ضمن حفظ آمادگی دفاعی، رشد اقتصادی سرعت گیرد و سطح تولیدات کشور در بخش‌های اقتصادی ارتقاء یابد و منابع بیشتری به آموزش نیروی انسانی و گسترش تحصیلات تکمیلی اختصاص یافت. تلاش شد با اتخاذ سیاست‌های موسوم به «تعديل اقتصادی»، سهم بخش خصوصی در اقتصاد کشور افزایش یابد و موانع «اداری» و غیر اقتصادی موجود در راه سرمایه‌گذاری محدودتر گردد.

علاوه بر این، رشد تقاضای مؤثر برای کالاها و خدمات، اختصاص بخش قابل توجهی از منابع ارزی و سرمایه‌ای کشور به طرح‌های عمرانی زیربنایی، رشد بی‌رویه واردات و اتخاذ سیاست‌های ارزی نه‌چندان سنجیده در سال‌های

۱۳۶۹ و ۱۳۷۰، همراه با کاهش درآمدهای واقعی ارزی کشور و آشکار شدن بحران بدهی‌های خارجی و ظهور اقبال جدید سرمایه دار و دلالت اقتصاد رانتی، بویژه در دستگاه‌های اداری، برخورداری از اطلاعات ذی‌قیمت محرمانه اقتصادی، وضعیتی را پدید آورد که رویکردهای عدالت خواهی نظام جمهوری اسلامی را در آن مقطع، به شدت تضعیف شد این امر، کاستی‌های سیاست تعدیل اقتصادی و گفتمان سازندگی را برجسته نمود و به تدریج، از توان و نیروی حرکت آن کاست<sup>۲۸</sup> و راه برای گفتمان‌های کامل‌تر باز کرد.

نقطه آغازین گفتمان اصلاحات، که در خلال سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۴ رخ نمود، با مشارکت گسترده مردم در انتخابات ریاست جمهوری در دوم خرداد ۱۳۷۶ پیوند خورده. اما در واقع، باز شدن فضای سیاسی کشور، از بعد از دوم خرداد ۱۳۷۶، نتیجه اجتناب ناپذیر انقلاب اسلامی بود و در قالب گفتمان انقلاب اسلامی قابل ردیابی و ریشه‌یابی است. اما به دلایل مختلف از جمله جنگ تحمیلی، محاصره اقتصادی، شرایط اضطراری کشور و ... این بخش از گفتمان انقلاب اسلامی، که ناظر به آزادی و به ویژه حقوق مدنی و سیاسی بود، فرصت ظهور و بروز نیافته بود. اصلاح طلبان در این دوره، معتقد به ضرورت توسعه فرهنگی و سیاسی و انجام اصلاحات مختلف سیاسی، اجتماعی در این مرحله جدید از بلوغ سیاسی کشور بودند و اعتقاد داشتند بنا به تجربه دوم خرداد، باید فضای سیاسی، اجتماعی کشور و فرایند تجمیع تقاضاهای مردم در قالب‌های جدید و پایداری مانند جوامع مدنی و از جمله احزاب، ساماندهی و نهادینه و مستدام شود. به همین دلیل، در فضای پس از دوم خرداد ۱۳۷۶، رشد کمی و کیفی مطبوعات، آزادی مطبوعات و نشریه‌ها، برگزاری اجتماعات سیاسی در دانشگاه‌ها و سطح کشور، طرح مباحث سیاسی و اجتماعی در رسانه‌ها، طرح مقولاتی مانند جامعه مدنی، قانون‌گرایی، آزادی مطبوعات، آزادی بیان، تحزب،

مشارکت سیاسی، توسعه سیاسی و امثال آن به عنوان شاخص‌های این دوران جدید مطرح گردید. آنچه بسیار مهم می‌نمود آن است که، متأسفانه در خلال سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۴، شعار و دال عدالت و عدالت خواهی، جزو شعارها و دال‌های اساسی گفتمان اصلاح طلبی مطرح نگردید و در خوشبینانه‌ترین صورت شاید بتوان گفت که، عدالت و عدالت خواهی به نفع آزادی و آزادی خواهی مصادره شد و یا این‌که به صورت اعلان نشده‌ایی، عدالت سیاسی جایگزین عدالت اقتصادی گشت. این در حالی بود که، واژه عدالت سیاسی نیز در گفتمان مزبور فاقد کاربرد معنا داری بود.

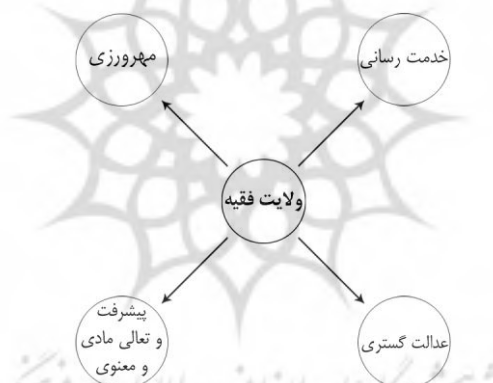
در چنین شرایطی، جبهه مشارکت ایران اسلامی، که بر آمده از تجمع گروه‌های موسوم به دوم خردادی‌ها بود، به عنوان پایگاه حزبی دولت خاتمی، در بیانیه اولین کنگره خود، ضمن اشاره بسیار جزئی و حاشیه ای به موضوع عدالت، دفاع از این ارزش اسلامی و انقلابی را در زمره اهداف درجه چندم خود به شمار آورد و در انتهای خط مشی‌ها و اصول کلی سیاست داخلی خود، بدان اشاره می‌نمود.<sup>۲۹</sup>

بدین ترتیب، گفتمان اصلاحات بر آن بود که با اتخاذ رویکردی اصلاحی و انتقادی، مطالبات و شعارهای خود را به صورت مسالمت آمیز، قانونی و با حفظ تعهد به نظام و انقلاب اسلامی دنبال کند. مدعای جریان مزبور، تحقق ظرفیت‌های قانون اساسی، در راستای تحقق همزمان دو بنیاد اساسی انقلاب اسلامی، یعنی اسلامیت و جمهوریت بود. در این میان، موضوع عدالت به عنوان یک هدف محوری و بنیادین و از جمله دال‌های اصلی این گفتمان مطرح نگردید؛ زیرا گفتمان اصلاح طلبی بر محور دال مرکزی «مردم»، دال‌های «اصلاح طلبی»، «توسعه سیاسی»، «جامعه مدنی»، «قانون»، و «توسعه سیاسی» را مفصل‌بندی نمود. «مردم» و به تبع آن مردم سالاری دینی را می‌توان به عنوان دال مرکزی گفتمان اصلاحات مطرح نمود.<sup>۳۰</sup>

باید اذعان نمود که در گفتمان اصلاح طلبی، به توسعه سیاسی به صورت افراطی پرداخته شد و مسائل اقتصادی و معشیتی و عدالت خواهی، بویژه در عرصه اقتصادی و ارزش‌ها دچار نگرش تفریطی شد. در اثر افراط‌گرایی سیاسی و مجادلات بی پایان جناحی، کشور دچار بی ثباتی‌ها و نا آرامی‌های فراوان گردید. همین آسیب‌ها و آفت‌ها، موجبات ظهور و توفیق گفتمان اصول‌گرایی عدالت خواه را در انتخابات ریاست جمهوری در سوم تیر ۱۳۸۴ فراهم ساخت.

### ج. عدالت در نظام معنایی گفتمان اصول‌گرایی عدالت خواه

با پیروزی اصول‌گرایان در نهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری، دولت نهم روی کار آمد. با تأکید محوری این گفتمان بر موضوع عدالت، می‌توان نظام معنای آنان را گفتمان اصول‌گرایی عدالت خواه نامید. این گفتمان دارای چهار دال «عدالت گستری»، «مهرورزی»، «پیشرفت و تعالی مادی و معنوی»، و «خدمت رسانی» است که بر حول محور دال مرکزی «ولایت»، مفصل بندی شده‌اند. در نمودار زیر، دال‌های چهارگانه و نظام معنایی گفتمان اصول‌گرایی عدالت خواه، که بر حول دال مرکزی «ولایت» مفصل بندی شده‌اند، نشان داده شده است:



نمودار شماره ۱: مفصل بندی و نظام معنایی گفتمان اصول‌گرایی عدالت خواه در دولت نهم.

مستندات و شواهد دال بر این آرایش گفتمانی را می‌توان به خوبی، در برنامه‌های دولت نهم، بیانات رئیس‌جمهور و حوزه عملکرد این دولت به اختصار بیان نمود:

### ۱. در برنامه‌های دولت، احکام و پیام‌ها

دولت نهم پس از پیروزی در انتخابات سوم تیر، ۱۳۸۴ بلافاصله در مرداد همین سال برنامه تفصیلی خود را به شکل مکتوب و مدون ارائه نمود.<sup>۳۱</sup> در این برنامه، به خوبی ساختار، آرایش و دال‌های گفتمانی دولت نهم و از جمله عدالت‌گستری، مشاهده می‌شود. در مقدمه این برنامه، با تأکید بر انقلاب اسلامی و ارزش‌های آن، ولایت و رهبری الهی امام خمینی علیه السلام عامل توفیق این انقلاب و مایه تمدن‌سازی آن به شمار آمده و با تأکید بر اصول‌گرایی انقلابی، دال‌های چهارگانه عدالت‌گستری، مهرورزی، پیشرفت و تعالی مادی و معنوی، و خدمت‌رسانی مورد اشاره قرار گرفته است. در بخش‌هایی از این مقدمه چنین آمده است:

... هم اینک ایران اسلامی به آرامی در این سوی رخ می‌نماید تا بر نظام سلطه جهانی خط بطلان بکشد و نور عدالت و معنویت را پراکند... ما توسعه به معنای تقلیدی و شاید تحمیلی آن را شجاعانه بایگانی می‌کنیم. آنچه بالندگی، شکوفایی و در عین حال سرآمدی جامعه ما را تضمین می‌کند، تنها تعبیر قرآنی «تعالی» است که در سایه حکمت، بصیرت، عدالت و حکومت مبتنی بر اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله فراچنگ می‌آید و غایت آن سرآمدی موعود است ... این سرآمدی حق مسلم ملت ما است؛ زیرا ملتی که صراط مستقیم را به بهای خون هزاران شقایق گلگون کفن طی می‌کند، با دل‌مردگی و سستی میانه‌ای ندارد. او تفرقه‌ها را به وحدت می‌رساند، برکت را به سفرها می‌آورد، نشاط را همگانی می‌کند و ردای «عدالت» و عزت و «محبت» می‌پوشد... دولت نهم بر مبنای عقلانیت دینی و در راستای تعهد به اصول و ارزش‌های اسلامی و نوگرایی در روش‌ها، همچنین

با به کارگیری علوم و فنون برای تحقق کارآمدی نظام اسلامی، سعی خواهد نمود شعار خدمت رسانی به مردم را تجلی بخشد.<sup>۳۲</sup>

در برنامه مزبور، در بخش راهبردهای کلان دولت نهم، در ذیل عنوان «ارزش‌ها»؛ موارد کسب رضای الهی از طریق عدالت گستری، مهرورزی، خدمت به بندگان خدا و پیشرفت و تعالی مادی و معنوی کشور آمده است. همچنین موارد توسعه عدالت محور، اقامه قسط توأم با مهرورزی، خدمت، و تعالی و پیشرفت، به عنوان زیر مجموعه هدف بنیادین این راهبردهای کلان ذکر شده است.<sup>۳۳</sup> همچنین در همین برنامه در بخش رئوس برنامه‌های دولت نهم، دال‌های چهارگانه مزبور در ذیل عناوین «ارزش‌ها» و «هدف بنیادین» مجدداً دوبار تکرار گردیده اند.<sup>۳۴</sup>

لازم به یادآوری است که، در اکثر احکام انتصابات صادره از سوی رئیس جمهور، اشاره به دال‌ها یا شعارهای چهارگانه دولت نهم، در بخش انتهایی این احکام وجود دارد.<sup>۳۵</sup> همچنین وی در پیام‌های مکتوب خود، به کرات به شعارهای چهارگانه دولت اشاره نموده است.<sup>۳۶</sup> از سویی، ایشان در طول چهار سال خدمت دولت خود و در خلال سال‌های ۸۴ الی ۸۷ و در اول مهر ماه و با افتتاح سال تحصیلی، سؤال خود را از دانش آموزان پیرامون شعارهای چهارگانه دولت نهم مطرح نموده است.<sup>۳۷</sup>

## ۲. دربیانات احمدی نژاد و هیات دولت

رئیس جمهور و حتی اعضای کابینه دولت نهم، به دفعات فراوانی گفتمان اصول‌گرایی و دال‌های آن را مورد تبیین و تأکید مستمر قرار داده‌اند. یکی از بهترین مستندات، نامه تشکر کابینه دولت نهم در دی‌ماه ۱۳۸۶ از حمایت رهبر انقلاب از دولت است. در این نامه، ضمن اعلام پایبندی دولت به اصول و



ارزش‌های انقلاب و خط روشن ولایت فقیه (دال مرکزی)، شعارها و دال‌های چهارگانه گفتمان دولت نهم نیز به عنوان اهداف اصلی ذکر گردیده است. در بخشی از این نامه آمده است:

حمایت رهبری بزرگوار از فرزندان انقلابی و خستگی ناپذیر خود در دولت و همچنین اقدامات و تلاش‌هایی که در جهت پیشبرد و ارتقای نظام جمهوری اسلامی انجام می‌پذیرد، تفکیک فصل خدمت از خود خواهی و قدرت طلبی‌ها، افزایش امید و وحدت ملی، خود باوری و همچنین موجب تجدید روحیه خدمتگزارانی بود که عدالت محوری، مهرورزی و خدمت به بندگان خدا و تعالی مادی و معنوی کشور را فرا راه خود قرار داده‌اند...<sup>۳۸</sup>

این مضامین مجدداً در نامه تشکر هیات دولت از رهبر انقلاب در شهریور ۱۳۸۷ تکرار شده است.<sup>۳۹</sup>

همچنین رئیس جمهور دولت نهم با اشاره به ابلاغ سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه از سوی رهبر معظم انقلاب اسلامی، تصریح می‌کنند که سیاست‌های ابلاغی از سوی ایشان، خط شاخص و راهنمایی روشن برای یک برنامه ریزی ایرانی و اسلامی خواهد بود وی با اعلام پای‌بندی به فرامین مقام معظم رهبری، اظهار امیدواری می‌کنند که «این ستور العمل در بخش‌های مختلف تدوین برنامه پنجم مورد توجه قرار گرفته و تلاش بی وقفه برای اجرایی شدن آن به عمل آید»،<sup>۴۰</sup> «تشخیص درست مسیر حرکت» و «ایستادگی بر اصول» را ضامن تعالی و پیشرفت سریع کشور داشته، معتقدند:

خط ایستادگی بر اصول آموزه اصلی امام راحل<sup>علیه السلام</sup> و رمز پیروزی و بقای انقلاب اسلامی و حاصل فداکاری ملت است و ایستادگی بر اصول با تمام مشکلات و مانع تراشی‌ها، موجب افتخار همه ما و لازمه ادامه راه امام خمینی<sup>علیه السلام</sup> و تبعیت از رهبری معظم انقلاب است.<sup>۴۱</sup>

رئیس جمهور بر این باور است، که «حاکمیت اسلام در سایه ولایت فقیه به عنوان

حلقه اتصال با امام عصر علیه السلام در ایران اسلام برپا شده است و باید دست در دست هم برای برپایی عدالت در داخل و نیز در عرصه جهانی حرکت کنیم.<sup>۴۲</sup>

ایشان با تأکید بر ضرورت حفظ دستاوردهای انقلاب اسلامی، وظیفه دولت نهم را تحقق عهد خویش با ملت در اجرای شعارهای چهارگانه با زعامت رهبری انقلاب می‌داند.<sup>۴۳</sup> لازم به یادآوری است که برخی از دال‌های چهارگانه گفتمان اصول‌گرایی عدالت خواه، توسط رئیس جمهور در حوزه سیاست خارجی نیز به کار رفته است. به عنوان مثال، ایشان «عدالت، مهرورزی، دوستی و برادری، حفظ کرامت انسانی و توجه به اخلاق و معنویت» را از اصول سیاست خارجی دولت نهم، بر شمرده است.<sup>۴۴</sup> البته، مفسران بیانات و اندیشه رئیس جمهور، این اصول را به گونه دیگری هم تفسیر کرده‌اند. برای مثال پرفسور حمید مولانا از مشاوران ریاست جمهوری در این باره می‌نویسد:

نواندیشی فضیلت محور و حکمت آمیز، عدالت خواهی و توحید گرایی سه محوری است که دکتر احمدی نژاد بر آن تکیه دارد؛ سه گانه‌ای که می‌توان آن را جزوی از نظریه انقلاب نوین عمومی در عالم کنونی هم به شمار آورد.<sup>۴۵</sup>

البته، دیدگاه احمدی نژاد<sup>۴۶</sup> و گفتمان وی و دولت نهم در حوزه سیاست خارجی، دارای رویکردهای عمیق جهانی و منظرهای جهان وطنانه است. حرکت و بستر سازی برای حکومت جهانی عدالت گستر حضرت مهدی علیه السلام از اهداف عالی این دولت به شمار می‌رود که بارها مورد تصریح شخص جمهور و سایر دولتمردان قرار گرفته است.<sup>۴۷</sup>

### ۳. در حوزه عملکردها

بررسی میزان کاربری و تحقق عینی شعارها و دال‌های چهارگانه گفتمان اصول‌گرا، در دولت نهم کار ساده‌ای نیست. این امر نیاز شد پژوهشی تفصیلی و

دقیق است. آنچه که این بررسی را دشوارتر می‌سازد، وجود دیدگاه‌های فراوان انتقادی نسبت به این عملکردها است که برخی اوقات نیز رنگ تخریب به خود گرفته است. از سوی دیگر، وجود دیدگاه‌های اغراق‌گرایانه درباره ابعاد ایجابی این عملکرد هم بر این دشواری‌ها می‌افزاید. خوشبختانه با توجه به تأکیدات رهبر فرزانه انقلاب، درباره ضرورت اطلاع‌رسانی بیشتر دولت نهم درباره فعالیت‌ها، خدمات و عملکردهای خود، در ۳۱ مرداد سال ۱۳۸۷، دبیرخانه شورای اطلاع‌رسانی دولت، چکیده عملکرد سه ساله دولت<sup>۴۸</sup> را از شهریور ۱۳۸۴ الی شهریور ۱۳۸۷ به رشته تحریر در آورده که در بخشی از مقدمه و چکیده این گزارش که مشتمل بر یکصد و دو صفحه می‌باشد، بر محورهای زیر تأکید شده است:

۱. کوشش در جهت تحقق مطالبات مقام معظم رهبری از دولت‌ها مبتنی بر تنظیم جهت‌گیری‌های اساسی دولت بر مبنای عدالت‌طلبی؛ عنصری که مقام معظم رهبری در طول دوران پر برکت زعامت خود همواره بر آن تأکید داشته و دارند. دولت نهم برای تحقق عدالت از نظریه‌پردازی و شعارها عبور کرده و وارد مرحله اجرایی شده است که در اوج این اقدامات «طرح تحول اقتصادی» قرار دارد که هدف آن پس از شناسایی ریشه‌ای معضلات اقتصادی کشور، تدوین این طرح با جوهر اصلی تحقق عدالت نسبی در بین آحاد جامعه است.
۲. باور عمیق دولت نهم به مردم‌داری؛ در این راستا دولت سفرهای استانی را ترتیب داد که طی آن از نزدیک با مشکلات آشنا شد. صداقت و صراحت با مردم، که تجلی و بروز آن در تعداد گفتگوهای مستقیم رادیو تلویزیونی رئیس‌جمهور (نسبت به دولت‌های قبلی) و پرهیز از غلتیدن به مناسبات گروهی، باندى و حزبی به وضوح قابل مشاهده است، از دیگر جهت‌گیری‌های اصلی دولت نهم است.
۳. ابلاغ سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی توسط مقام معظم رهبری در سال ۸۵، عرصه جدیدی در کارکرد دولت نهم گشود که در گذشته سابقه

نداشت. پس از ابلاغ سیاست‌های کلی اصل ۴۴، دولت بلافاصله مراحل تدوین و تصویب لایحه اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی را آغاز کرد و لایحه نسبتاً جامعی را تصویب و سال گذشته تقدیم مجلس کرد که متأسفانه مراحل تصویب و ابلاغ قانون مذکور در مجلس، شورای نگهبان و نهایتاً مجمع تشخیص مصلحت نظام قدری طولانی شد و اخیراً این لایحه به دولت ابلاغ شده است که رئیس جمهور نیز بلافاصله آن را برای اجرا به دستگاه‌ها و سازمان‌ها ابلاغ کرد.

۴. دولت نهم بر اساس دیدگاه محصول‌گرایانه، اهتمام ویژه‌ای نسبت به اصلاح ساختار تصمیم‌گیری و اداری داشته و با حذف بوروکراسی زائد و دست و پاگیر، که فرآیند تصمیم‌گیری در کشور را طولانی و با تردید مواجه می‌کرد، تلاش جدی خود را برای شتاب بخشیدن به روند تعالی و آبادانی کشور به منصفه ظهور رسانده است.

در این بخش ادغام شوراهای عالی، انحلال سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، اصلاح شیوه بودجه نویسی و تخصیص بودجه، از اهم اقدامات انجام شده است. به طوری که در شیوه نگارش بودجه سال ۸۷ کل کشور تحولی ایجاد شده که منجر به تبادل سریع توافقنامه‌ها، حذف مراحل زائد در تخصیص اعتبارات و حتی ابلاغ برخی آئین‌نامه‌های اجرایی بودجه پیش از آغاز سال جدید گردید...<sup>۴۹</sup>.

#### د. نقد و ارزیابی گفتمان اصول‌گرایی عدالت‌خواه

##### الف. دیدگاه مقام رهبری<sup>۵۰</sup>

##### ۱. حمایت از گفتمان اصول‌گرایی عدالت‌خواه

گفتمان اصول‌گرایی عدالت‌خواه دولت نهم و دال‌های مهم و چهارگانه آن همواره مورد تأیید ویژه مقام رهبری قرار گرفته و ایشان با ذکر خصوصیات ارزشی و انقلابی دولت نهم، برخورداری از این ویژگی‌ها را علت قدردانی افزونتر خود از این دولت اعلام نموده‌اند.<sup>۵۱</sup> ایشان در بیانات متعددی، اصول‌گرایی

دولت نهم و احیا و بازگشت به شعارهای انقلاب اسلامی توسط این دولت را ستوده و یکی از شاخصه‌های اساسی شرایط استثنایی کشور را «غلبه گفتمان اصول‌گرایی و احیای ارزش‌ها و شعارهای انقلاب اسلامی» به شمار آورده‌اند.<sup>۵۲</sup>

رهبر فرزانه انقلاب در خرداد سال ۸۵، مهم‌ترین شاخصه‌های اصول‌گرایی را شامل باور به مواردی مانند «عدالت به عنوان فلسفه وجودی نظام اسلامی» دانسته‌اند.<sup>۵۳</sup> ایشان مجدداً در ششم شهریور ماه سال ۸۵، با تأیید اینکه دولت نهم هم در قول و هم در عمل دولتی اصول‌گرا بوده است، به تبیین شاخصه‌های اصول‌گرایی پرداخته‌اند که رأس این شاخصه‌ها را «عدالت خواهی و عدالت گستری» را ذکر نموده‌اند و از دولت خواسته‌اند مجموعه این شاخصه‌ها را که به بخش‌های مهمی از آنها نیز متصفند، در برنامه دولت بگنجانند تا اصول‌گرایی دولت نهم به معنای حقیقی کلمه محقق گردد.<sup>۵۴</sup>

مقام رهبری در چهارم شهریور سال ۸۶، برداشت خود و اکثریت نزدیک به اتفاق مردم را از دو سال رفتار دولت نهم، شامل ویژگی‌ها و خصوصیاتمانند پایبندی به اصول و ارزش‌های انقلاب، اسلامی چه در قول و چه در عمل و حاکم نمودن فضای اصول‌گرایی و ارزش‌های انقلابی و پایبندی به عدالت دانسته‌اند.<sup>۵۵</sup>

ارزیابی مقام رهبری از عملکرد سه ساله دولت نهم نیز تأییدی بر گفتمان اصول‌گرایی عدالت خواه آن است. ایشان در دوم شهریور سال ۸۷، ضمن قدر دانی ویژه از زحمات دست‌اندرکاران دولت نهم، به تمجید صفاتی مانند عدالت‌خواهی و استکبار ستیزی این دولت پرداخته‌اند.<sup>۵۶</sup> بسیاری از این ویژگی‌های مثبت، از منظر مقام رهبری در گفتمان قبل از دولت نهم یا وجود نداشته و یا فاقد قوت لازم بوده است.<sup>۵۷</sup>

همان‌طور که قبلاً اشاره گردید، گفتمان اصول‌گرایی عدالت خواه دولت نهم، شامل دال‌های چهار گانه: عدالت گستری، مهرورزی، خدمت رسانی، و پیشرفت و تعالی مادی و معنوی می‌باشد. مقام رهبری، ضمن تأیید این دال‌های چهارگانه، به عنوان یک برنامه راهبردی دولت و نظام جمهوری اسلامی، تا حد مقدور نیز موارد مزبور را در بیاناتشان مورد تصریح و تبیین قرار داده‌اند. در اینجا تنها به اهم این رهنمودها و بیانات در حوزه دال «عدالت گستری» اشاره می‌شود:

## ۲. دال «عدالت گستری» در اندیشه رهبری

مقام معظم رهبری، امید و عدالت را دو نقطه برجسته در انتظار فرج حضرت مهدی عج به شمار آورده و در عصر حکومت پر نوید مهدوی، برجسته‌ترین نقطه را عدالت می‌دانند؛ زیرا بشر تشنه عدالت است و بزرگترین خلأ دنیای امروز، خلأ عدالت می‌باشد. ایشان با اعلان عدالت به عنوان اصلی‌ترین و مهم‌ترین شاخص اصول‌گرایی، از دولت نهم به دلیل طرح شعار عدالت به عنوان اصلی‌ترین سرلوحه عملکرد و شعار دولت تقدیر به عمل آورده و جهان امروز و کشور ایران را تشنه عدالت می‌دانند و اساساً سرچشمه و سرمنشاء همه کمبودها، توقعات، انتظارات و آرزوهای بلند مردم را با تأمین عدالت، قابل حل و ترمیم به شمار می‌آورند و معتقدند: نفس رویکرد دولت نهم به عدالت، چیز بسیار بار ارزشی است و هر مقداری که می‌توانند بایستی در این مسیر حرکت نمایند.<sup>۵۸</sup> از منظر رهبر انقلاب، «امروز بیش از گذشته هم حتی گفتمان عدالت طلبی و رفع تبعیض و مبارزه با فساد در کشور مستقر و حاکم است.<sup>۵۹</sup>» به باور ایشان، عدالت بدون معنویت و بدون عقلانیت قابل تحقق نیست و این دو در تحقق عدالت شرط هستند.<sup>۶۰</sup> آیت الله خامنه‌ای به طور دقیق و مستوفایی دال عدالت را به عنوان شاخص اول اصول‌گرایی، تبیین نموده‌اند.<sup>۶۱</sup>

مقام رهبری، فلسفه وجودی نظام اسلامی را عدالت به شمار می‌آورند و بر این باورند که، رشد اقتصادی باید همپای عدالت پیش رفته و در برنامه‌های توسعه و رشد اقتصادی به طور منطقی، عدالت ملحوظ گردد.<sup>۶۲</sup> ایشان با قبول اختلاف نظر در معانی عدالت، قدر مسلم مفهوم این واژه را این چنین بیان نموده و پیش شرط‌های آن را به صورت زیر ذکر کرده‌اند:

البته، ممکن است در معنا کردن «عدالت» افرادی، کسانی با گروه‌هایی اختلاف نظر داشته باشند، اما یک قدر مسلم‌هایی وجود دارد: کم کردن فاصله‌ها، دادن فرصت‌های برابر، تشویق درستکار و مهار متجاوزان به ثروت ملی، عدالت را در بدنه حاکمیتی رایج کردن - عزل و نصب‌ها، قضاوت‌ها، اظهار نظر‌ها، مناطق دور دست کشور و مناطق فقیر را مثل مرکز کشور زیر نظر آوردن، منابع مالی کشور را به همه رساندن، همه را صاحب و مالک این منابع دانستن، از قدر مسلم‌ها و مورد اتفاق‌های عدالت است که باید انجام بگیرد. بنابراین، عدالت یک اصل است و نیازمند قاطعیت.

... عدالت، با تعارف درست نمی‌شود، اولاً، قاطعیت می‌خواهد. ثانیاً، ارتباط با مردم می‌خواهد. ثالثاً، ساده زیستی و مردمی بودن لازم دارد و بالاتر از همه، خود سازی و تهذیب می‌خواهد. این هم جزو پیش شرط‌ها و پیش نیازهای اجرای عدالت است. اول، باید خودمان را درست کنیم.. تا بتوانیم عدالت را اجرا کنیم. وظیفه من و شما اینهاست. واقعاً باید با ویژه خواران و فساد مبارزه کنیم.<sup>۶۳</sup> ... عدالت را باید در برنامه‌های گوناگون معنا کنید، .. که از جمله آنها تقویت پول ملی، مهار تورم و گرانی، کم کردن شکاف و فاصله بین دهک‌های بالا و پایین جامعه از این قبیل است. این سیاست‌ها باید به برنامه تبدیل شود، والا خود عنوان عدالت یک هدف آرمانی است.<sup>۶۴</sup>

آیت‌الله خامنه‌ای از راه کارهای اقتصادی توزیع سهام عدالت، صندوق مهر رضا، ارائه عادلانه تسهیلات بانکی توسط دولت نهم نیز به نیکی یاد کرده و خواهان اطلاع رسانی و تبیین آنها از سوی کارگزاران برای مردم شده اند:

یک نکته دیگر هم کارهای خوبی است که در زمینه اقتصاد انجام گرفته- مثل این سهام عدالت، ادامه طرح‌های نیمه تمام، نوع عدالت در ارائه تسهیلات بانکی، صندوق مهر رضا و امثال اینها- محتوا و فواید این کارها را با شکل صحیح برای مردم بیان کنید تا معلوم شود این کارها انجام گرفته است.<sup>۶۵</sup>

### ۳. توصیه‌ها و تذکرات مقام رهبری به دولت نهم

رهبر فرزانه انقلاب، همواره در کنار تأیید گفتمان اصول‌گرایی عدالت خواه دولت نهم و تبیین امتیازات آن، به ضعف‌های این دولت نیز اشاره نموده و توصیه‌ها و تذکرات لازم را نیز گوشزد نموده‌اند. به عنوان نمونه، ایشان در شهریور سال ۸۷، پس از ذکر و تمجید ویژگی‌ها و برجستگی‌های گفتمان مزبور اذعان می‌دارند. «البته این به معنای چشم بستن بر ضعف‌های دولت هم نیست».<sup>۶۶</sup>

بر همین مبنا، مقام رهبری به کرات، وضع موجود کشور در دولت نهم را خالی از آفت و مشکل ندانسته و معتقد به وجود نیازهای فوری، خلأهای خطرناک و نقاط منفی و مشکلات اساسی در کشور می‌باشند که در مسائلی مانند اشتغال، تورم و گرانی، وجود مناطق محروم، فساد، نیاز به امنیت سرمایه گذاری، نیاز به تثبیت جایگاه بین‌المللی، و ضرورت پیرایش چهره فرهنگی کشور نمود دارد.<sup>۶۷</sup>

مقام رهبری در موارد متعددی، سفارش‌ها، توصیه‌ها و تذکرات لازم را به دولت نهم و کارگزاران آن به صورت شفاهی و کتبی ایفاد نموده‌اند که به روشنی عمل به آنها، به تحقق افزون‌تر هدف والای عدالت گسترده دولت نهم مدد خواهد بخشید که برخی از آنها به شرح زیر است:

اول. جدی گرفتن سند چشم‌انداز ۲۰ ساله به عنوان میثاق و مبنای عمل و نقشه راه؛

دوم. تقویت کارشناسی، به ویژه در کارهای مبنایی و بنیانی؛

سوم. تعامل نظام مند با نخبگان و اهل نظر؛

چهارم. روحیه سازگاری و تعامل منطقی و صحیح با دیگر قوا؛



پنجم. اطلاع رسانی صحیح به مردم؛  
ششم. ضرورت جدی گرفتن بخش فرهنگ و رفع مطلوبیت از این بخش؛  
هفتم. انتقاد پذیری، عدم رنجش از انتقاد و استقبال از آن با سعه صدر؛  
هشتم. توجه جدی به نهضت علمی در کشور و جبران عقب ماندگی ها و افزایش بودجه های تحقیقاتی؛  
نهم. توجه به سیاست های اصل ۴۴ قانون اساسی؛  
دهم. توجه به موضوع گرانی ها و لزوم مهار علمی تورم و عوامل تحریک کننده آن؛<sup>۶۸</sup>  
یازدهم. ضرورت رعایت قوانین؛  
دوازدهم. ضرورت پیگیری مصوبات، به ویژه مصوبات سفرهای استانی؛  
سیزدهم. اهمیت وافر به نظارت بر زیر مجموعه ها؛  
چهاردهم. توجه به عدم افزایش نابجای توقعات مردم؛  
پانزدهم. عزم در تحقق بدون شتابزدگی طرح تحول اقتصادی و مقابله با جوانب اجتناب پذیر تورمی آن؛  
شانزدهم. عدم بهانه سازی برای مسئله سازان و جنجال آفرینان و پرهیز از مواضع تهمت؛<sup>۶۹</sup>  
هفدهم. اجرای طرح امنیت اخلاقی و اجتماعی؛  
هیجدهم. مبارزه قاطعانه و درایت آمیز با فساد اقتصادی؛  
نوزدهم. پرهیز از ورود به مجادلات متداول سیاسی و جناحی و اتلاف وقت؛<sup>۷۰</sup>  
بیستم. ارزیابی و تقویم عملکردها و داوری بدون تعصب در مورد نقاط قوت و ضعف؛  
بیست و یکم. برخورداری از سرعت عمل و دقت در انجام بدون شتابزدگی امور؛  
بیست و دوم. تنظیم تعهدات با مقدرات و دامن نزدن به مطالبات و توقعات ناممکن؛  
بیست و سوم. لحاظ کامل تدبیر و درایت در تصمیم گیری ها و اجرا؛

بیست و چهارم. سالم سازی و آسیب زدایی دستگاه دولت و اجتناب از تصدی‌گری دولت در غیر وظایف حاکمیتی؛

بیست و پنجم. توجه به موضوع تمرکز زدایی و لحاظ خصوصیات اقلیمی و قومی در تمرکز زدایی‌ها و واگذاری مسئولیت به استان‌ها؛

بیست و ششم. توجه جدی به حفظ سرمایه‌های ملی و مقابله با تعدی به منابع طبیعی؛  
بیست و هفتم. توجه به تحرک دیپلماسی جهت دار، برنامه دار، پخته و نافذ؛<sup>۷۱</sup>

همچنین، رهبر انقلاب در تبیین ویژگی‌های اصول‌گرایی، اصل شکوفایی اقتصادی را، که الزاماً شکوفایی و گسترش عدالت را نیز در بر خواهد داشت، برای مسئولان دولت نهم تشریح نموده و با تأکید ویژه بر این موضوع، آن را به معنای رسیدگی به زندگی مردم و اقتصاد کشور دانسته‌اند.<sup>۷۲</sup>

#### ب. سایر دیدگاه‌ها

گفتمان اصول‌گرایی عدالت خواه و نحوه عملکرد دولت نهم توسط صاحب نظران کشور نیز مورد ارزیابی‌های انتقادی بسیاری قرار گرفته است. این ارزیابی‌ها بیشتر دارای صبغه اقتصادی است و معمولاً مدیریت ضعیف اقتصادی دولت نهم و تورم زایی<sup>۷۳</sup> سیاست‌ها و برنامه‌های این دولت نقد شده است. در حقیقت، دال «عدالت گستری» و دال «پیشرفت»، آن هم بیشتر از جنبه مادی و معیشتی مورد ارزیابی قرار گرفته است. البته، بسیاری از نقاط ضعف عملکردی دولت نهم، که توسط مقام رهبری مورد تذکر و توصیه قرار گرفته، در نظر کارشناسان نیز نمود ویژه داشته و مورد نقادی جدی قرار گرفته است. هر چند جنبه‌های فرهنگی عملکرد دولت نهم و حوزه تعالی و پیشرفت معنوی مردم در این ارزیابی‌ها، تا حدی زیادی مغفول واقع شده و ارزیابی‌ها نوعاً دارای رویکردهای تخصصی اقتصادی است، ضمن آنکه، همانطور که گفته شد اجرای عدالت اقتصادی توسط دولت نهم نیز مورد نقادی‌های جدی واقع شده است.

سیاست‌های اقتصادی دولت نهم و نوع عدالت‌گستری آن، بویژه از سوی پاره‌ای از اقتصاد دانان دانشگاه‌های کشور مورد نقد و هشدار قرار گرفته است. ۵۰ اقتصاددانان با نگارش نامه‌ای به رئیس‌جمهور موضوعات و انتقاداتی مانند پایین بودن دولت نهم به قواعد حکمرانی خوب، نامساعد کردن فضای سرمایه‌گذاری و محیط کسب و کار، افزایش بی‌رویه واردات، اتخاذ سیاست مالی انبساطی، سیاست پولی انبساطی و نرخ تورم بالا، بحران در بازار سرمایه، و وضعیت نابسامان نظام بانکی، مداخله بی‌رویه در بازار کار، سیاست‌های نادرست منطقه‌ای و نحوه تعامل با جامعه جهانی را در خرداد ۱۳۸۵ مطرح ساختند. این نامه نسبت به وضعیت اقتصادی کشور، بر اثر سیاست‌های اقتصادی-مالی دولت هشدار می‌داد و خواهان اصلاح سیاست‌ها، تدابیر و تقویت عملکرد دولت نهم و بهره‌گیری از علم اقتصاد و دستاوردهای آن و توجه به نظارت و دیدگاه‌های کارشناسان مراکز علمی بود.<sup>۷۴</sup>

در تیر ماه ۱۳۸۶ نامه دیگری از سوی این اقتصاددانان تدوین و انتشار یافت. لازم به یادآوری است که، ملاقات و مناظره حضوری و تلویزیونی رئیس‌جمهور و اعضای اقتصادی کابینه وی با این اقتصاددانان، دست کم حاکی از اهمیت دغدغه‌های اقتصادی مطروحه و ضرورت پاسخ به آنها بوده است. هر چند برگزاری این جلسه پس از نامه دوم نیز به نتیجه‌ایی منجر نشد.

این نامه، که توسط ۵۷ اقتصاد دان امضا شده بود با طرح چهار محور: سیاست‌های پولی و بانکی، سیاست‌های تجاری دولت، رویکرد دولت در قبال سیاست‌های اجرایی اصل ۴۴ و سیاست‌های مالی دولت نهم، رویکردهای انتقادی و هشدار گونه خود را به اطلاع ریاست جمهوری رساند و مجدداً از سیاست‌های اقتصادی دولت نهم انتقاد کرد و راهبردهای اصلاحی لازم را پیشنهاد نمود. در

آبان ماه سال ۱۳۸۷، ۶۰ اقتصاددان کشور، طی نامه‌ایی، که به نامه سوم اقتصاددانان مشهور است، در خطاب به ملت ایران، رئیس جمهور و نمایندگان مجلس، عملکرد سه ساله اقتصاد ایران و طرح تحول اقتصادی دولت- معطوف به اجرای عدالت- را مورد نقد تفصیلی قرار داداند. در این گزارش، با اشاره به ریشه‌های ساختاری و تاریخی شرایط نامساعد اقتصاد ایران، سیاست‌گذاری‌های اقتصادی غلط دولت نهم را مایه گسترش فقر و نابرابری دانسته و از موضوعاتی مانند سیاست‌های نادرست انبساط مالی، و عدم امکان سنجی طرح تحول اقتصادی و شتابزدگی در اجرای آن انتقاد شده است.<sup>۷۵</sup>

البته، رئیس جمهور در آبان ۱۳۸۷، به نامه به بیش از ۲۰۰ تن از متخصصان دانشگاهی و اندیشمندان اقتصادی، با طرح سؤالاتی، آنها را دعوت به پاسخ نمود و از ایشان برای مشارکت در طرح ریزی جدید اقتصاد سالم، پویا و پایدار دعوت کرد.<sup>۷۶</sup> که نامه سوم اقتصاد دانان در واقع، نوعی پاسخ به این دعوت نیز بود. همچنین در این تاریخ، رئیس جمهور دعوت خود را نیز از صاحب نظران اقتصادی حوزوی تکرار نمود و از آنها جهت تدوین و اجرای الگوهای نوین اقتصادی استمداد جست.<sup>۷۷</sup>

احمد توکلی نیز در نقد برنامه اقتصادی دولت نهم، با اشاره به برخی ناهماهنگی‌های آن، در آبان ۱۳۸۶ اذعان داشته است:

به نظر من، در حال حاضر مهار تورّم باید در دستور اول اقتصادی دولت باشد و در شرایط فعلی، روش مقابله با تورّم هم فقط آسیب‌شناسی تورّم موجود و مقابله با عوامل آن است؛ یعنی مهار نقد ینگی و جلوگیری از فروش و هزینه کردن بیشتر دلارهای نفتی در اقتصاد ایران. همچنین اصلاح ساختار و روش هزینه کردن بودجه عمرانی و سیاست‌های انبساطی پول. دولت فعلی رویکردهای خوبی داشته، اما چند تصمیم اشتباه گرفته است. از جمله،

هزینه کردن سریع درآمدهای نفتی و ابتلای ایران به بیماری هلندی و آثار ناهنجار آن در رشد شدید واردات و بیدار کردن غول تورم، همچنین دستکاری ناشیانه تعرفه‌ها از جمله اشتباهات این دولت بوده است. متأسفانه، با وجود تلاش صادقانه‌ای که دولت نهم در عرصه اقتصادی داشته، اما به دلیل نداشتن تئوری، برنامه و مسئول مشخص اقتصادی در این دولت، نمی‌توان به آن نمره خوبی بدهم.<sup>۷۸</sup>

وی مهم‌ترین موانع اجرایی قانون سیاست‌های اصل ۴۴ را تصورات غلط از نقش دولت در اقتصاد و باور نداشتن آن توسط برخی از مدیران دولتی دانسته و اینکه بعضی مدیران نمی‌توانند حالتی را تصور کنند که، تصدی‌ها و کنترل یک فضای رقابتی به دست بنگاه‌های خصوصی باشد. بنا براین، به بهانه‌های مختلف در مقابل آزاد سازی و خصوصی‌سازی موضع می‌گیرند. به نظر توکلی، اگر شعار بسط عدالت، نهضت خدمت‌رسانی، رفع موانع تولید و سرمایه‌گذاری و مهارم تورم، صادقانه بیان گردد و عالمانه طراحی و مصممانه اجرا شود، می‌تواند پرچم خوبی باشد.<sup>۷۹</sup> همچنین توکلی به عنوان رئیس مرکز پژوهش‌های مجلس، با بیان اینکه رئیس‌جمهور در مورد طرح اقتصادی خود با مجلس مشورت نکرده است، مخالفت خود را نیز با تغییر مداوم وزیران کابینه اعلام کرده است.<sup>۸۰</sup>

از سوی دیگر، محمد خوش‌چهره، از دیگر اقتصاددانان کشور با اعتقاد به مسبوق به سابق بودن طرح تحول اقتصادی در دولت‌های سابق، طرح هدفمند کردن یارانه‌ها را نیز دارای سابقه‌ایی دو دهه‌ای می‌داند. اما در شیوه و زمان اجرای طرح با دولت نهم اختلاف عقیده دارد و معتقد است که، منطق عقلی و ملاحظات اخلاقی، اجرای شتابزده این طرح‌ها را توسط دولت نهم توصیه نمی‌کند و بر این باور است که، طرح‌های یاد شده باید در فضای پخته کارشناسی و با عنایت به برنامه پنجم توسعه و با استفاده از تمام نظرات کارشناسان بیرون و

درون نهادهای جمهوری اسلامی مجدداً بررسی شده و با از بین رفتن ناپختگی آن، در وقت مناسب تدوین شده و شیوه اجرای دقیق آن روشن گردد تا شائبه اقدام عجولانه دولت را - که مهر سیاسی انتخاباتی به آن می خورد - از بین برده شود. وی، پیامدهای وخیم استمرار این عملکرد را در تغییرات عجیب در بازار مسکن و افزایش روز افزون قیمت زمین و مسکن بر می شمرد که، موجب شد منابع مالی بخش‌های مولد به سمت بازار مسکن سرازیر شوند و در نتیجه، با تعطیلی تدریجی بنگاه‌های تولیدی روبه رو شویم. از سوی دیگر، افزایش بی‌سابقه قیمت زمین موجب غنای ثروتمند و فقر فقیر می‌شود. به عبارت دیگر، اختلاف طبقاتی افزایش می‌یابد و به رغم تمایل مسئولان نظام از جمله هیات دولت، که طرفدار تحقق عدالت و حمایت از مستضعفان و دهک‌های کم در آمد جامعه هستند، نتایج بر عکسی داشت و جامعه یک بی‌عدالتی و اختلاف طبقاتی شدید را تجربه کرد.

معضل دیگر تغییر چگونگی توزیع یارانه‌ها در صورت ناپختگی می‌باشد. تورم ایجاد شده ناشی از حذف یارانه‌ها، که با یک نگرش بدبینانه برای اهداف و اغراض سیاسی است، آثار و پیامدهای بسیار مخربی دارد. برخی از صاحب نظران تورم پانصد درصدی را رهاورد چنین اقدامی بر شمرده‌اند. این امر می‌تواند موجب ایجاد تنش‌های اجتماعی و گسترده‌گی خط فقر شود. باید مراقب بود که آخر این راه، به فرو پاشی اقتصادی پایان نیابد.<sup>۸۱</sup>

در همین زمینه، برخی اقتصاد دانان حوزوی نیز موضع‌گیری‌های مشابهی داشته‌اند. از جمله غلامرضا مصباحی در فروردین سال ۸۷ ضمن اشاره به تلاش موفق اقتصاد دانان مجلس هفتم در مهار تورم تا سال ۸۴، علت اصلی تورم افسار گسیخته بعد از این مقطع را ناشی از عملکردهای تورم زای دولت نهم دانسته است.<sup>۸۲</sup> وی با ذکر نبود ظرفیت متناسب برای جذب نقدینگی و با انتقاد از تزریق

بیش از حد و فساد آور نقدینگی توسط دولت نهم، این سؤال مهم را مطرح می‌کند که مگر می‌شود رشد نقدینگی در سال ۱۳۸۵، ۴۰٪ و در سال ۱۳۸۶، ۳۶٪ تورم وحشتناک به دنبال نداشته باشد؟<sup>۸۳</sup>

همچنین حجت الاسلام دری نجف آبادی، پرداخت سهام عدالت را رافع مشکل ندانسته و با تأکید بر ضرورت اشتغال و تولید برای رفع فقر، در دومین همایش بحران مالی جهانی، فرصت‌ها و چالش‌ها، این باور خود را چنین تفصیل می‌دهد:

سیاست‌های اصل ۴۴ باید به معنای واقعی اعمال شود و نه به صورت صوری. اینکه به همه سهام عدالت بدهیم مشکلی را حل نمی‌کند. واگذاری یک موضوع حاشیه‌ای است اصل این است که یک میدان دو برای ۷۰ میلیون نفر ایجاد شود که همه بتوانند اهداف سند چشم‌انداز توسعه را محقق سازند اسلام با گدا پروری صددرد صد مخالف است اسلام نمی‌پذیرد که در یک جامعه اسلامی بی‌کار و فقیر وجود داشته باشد.<sup>۸۴</sup>

وی با اشاره به اختلاف نظر اسلام با مارکسیت‌ها اذعان می‌کند که، بیش از پیروزی انقلاب اسلامی، بحث‌های زیادی با مارکسیت‌ها داشتیم. آنها به ما می‌گفتند: در باب اقتصاد شما می‌خواهید ماهی یا «نفت» را سر سفره مردم ببرید یا اینکه به مردم «تور بافی» به آنان یاد بدهید؟ در این میان، ما تأکید داشتیم که، به دنبال آموزش توربافی هستیم. اساس اسلام این است که، زیر پرو بال افراد فقیر گرفته شود. دری نجف آبادی با تأکید بر این نکته که، بقای اسلام و مسلمانان پایداری و پویایی است معتقد است که، باید مدیریت اموال، کار آمد و صرفه جو باشد.<sup>۸۵</sup>

دولت نهم همچنین از انتقادهای گروه‌های مندرج در گفتمان اصول‌گرایی هم بی‌نصیب نمانده است. از جمله جمعیت ایثارگران انقلاب اسلامی در شهریور

سال ۱۳۸۶ هشدارها و نقدهای اقتصادی خود را متوجه این دولت نموده است. از جمله در بیانیه این جمعیت، با تأکید بر اینکه گاهی اوقات مسئولان ارشد دولت، رشد قیمت‌ها را انکار می‌کنند و یا با این مسئله به شکل مطایبه برخورد می‌نمایند، خطاب به دولتمردان آمده است:

تورم موجود فشار شدیدی بر اقشار کم درآمد وارد کرده و جدی‌تر از آن است که قابل انکار باشد، و انکار تورم یا عبور از کنار آن با مزاح و شوخی به هیچ وجه قابل قبول نیست.

در این نامه، برخی سیاست‌های دولت نهم و عدم توجه به هشدارهای اقتصاد دانان عامل تشدید تورم به شمار آمده و به دولت توصیه شده با ایجاد فرماندهی واحد در حوزه اقتصاد و با بهره‌مندی از دانش اقتصاد، بدون مواجهه دستوری با مشکلات به حل معضلات اقتصادی مردم و تک‌نرخ کردن نرخ تورم و مهار آن به عنوان یک ضرورت و تکلیف قانونی بپردازد.<sup>۸۶</sup> در این بیانیه از دولت خواسته است تا ضمن مهار نقدینگی و جلوگیری از رشد آن، با اتکای به علم اقتصاد و روش‌های تخصصی آن نگرش جزء نگری، تک‌نگری و سطحی به مقولات اقتصاد را کنار بگذارد و با رفع مستمر موانع تولید و سرمایه‌گذاری، نقدینگی موجود را به سوی سرمایه‌گذاری‌های تولیدی هدایت کند. اعضای این جمعیت با قدردانی از تلاش بی‌وقفه و خالصانه و صادقانه دولت نهم از رئیس جمهور خواستند که، برای اقتصاد ایران یک فرماندهی واحد با نگاهی جامع و عمیق به اقتصاد ایران و دارای تئوری و برنامه‌ای روشن و با اهدافی کمی درباره تورم، اشتغال و مسکن طراحی و معرفی نماید. مهار تورم به عنوان هدف اصلی دولت اعلام شود و دیگر اهداف و برنامه‌ها ذیل آن تنظیم شوند.<sup>۸۷</sup> با این وجود، بیانیه مزبور، سیاست‌های نادرست دولت نهم را مایه تشدید تورم دانسته و اعلام می‌دارد:



سیاست‌های دولت در افزایش بی‌رویه هزینه‌های عمرانی و رشد کم سابقه نقدینگی در دو سال گذشته را باید از جمله مهم‌ترین دلایل تورّم در ماه‌های اخیر ارزیابی کرد. در واقع، با رشد پرشتاب هزینه‌های عمرانی و نقدینگی در سال ۸۴ و ۸۵، تورّم امروز قابل پیش‌بینی بود و هشدارهای لازم و به موقع، توسط اقتصاد دانان دلسوز و خیرخواه داده شد.<sup>۸۸</sup>

#### ه. پاسخ‌های دولت نهم به انتقادات

مجموعه کارگزاران دولت نهم، به دیدگاه‌های انتقادی پاسخ‌هایی داده‌اند و از عملکرد و برنامه‌های اقتصادی عدالت‌محورانه خود دفاع نموده‌اند. از جمله رئیس‌جمهور مدعی است: تورّم مختص امروز نیست و علت و ریشه در گذشته دارد، اما تلاش دولت کنترل عوامل ساختاری افزایش تورّم است. رئیس‌جمهور با برشمردن مشکلات ساختاری اقتصادی کشور، به بهره‌وری پایین، بالا بودن هزینه تمام شده کالا، نداشتن انعطاف‌پذیری در تولید، اتکای درآمدهای دولت به نفت، بالا بودن مصرف دولت، تراز منفی و فزاینده تجاری کشور اشاره کرده و اتکاء به واردات و ارز را از جمله عوامل اصلی افزایش تورّم بر شمرده که از دوران گذشته بر جای مانده است. وی با اشاره به اقدامات دولت در کنترل تأثیرگذاری این عوامل، معتقد است: بهره‌وری ما از ۴۸٪ به ۸۴٪ صدم در سال ۸۵ رسیده است. وی با اشاره به تلاش‌های دولت در زمینه افزایش بهره‌وری، کاهش هزینه‌های مصرفی دولت، توزیع مناسب‌تر منابع در سطح کشور، کاهش دخالت دولت در اقتصاد، واگذاری امور به مردم و توسعه آموزش اظهار می‌دارد: «دولت تلاش کرده است با هدایت منابع به سمت تولید و امور زیربنایی کشور، عوامل تورّم را کنترل کند.» رئیس‌جمهور برخی از افزایش قیمت‌ها را ناشی از افزایش قیمت‌ها در سطح جهانی می‌داند و معتقد است: افزایش قیمت کالاهای وارداتی در تورّم تأثیر زیادی داشته است.<sup>۸۹</sup>

وی معتقد است «بر خلاف همه این حجم‌های ناجوانمردانه، که علیه دولت می‌شود، تصمیمات اقتصادی دولت بسیار عالمانه است. البته، نه اینکه ضعف یا اشکالی ندارد.» وی یکی از علل دشواری حل مشکلات اقتصادی و اجرای عدالت را، دشواری مبارزه با شبکه قدرتمند فعالان فاسد اقتصادی، که به ویژه در حوزه نفت و بانک‌ها صاحب قدرت هستند، به شمار آورده، معتقد است:

در این مبارزه سخت باید کوچک به کوچک و سنگر به سنگر، جلو رفت و در مقابل گردن کلفت‌هایی که دارای حامیان مهمی هم در عرصه‌های سیاسی هستند، ایستادگی کرد. اجرای عدالت به صورت بخشنامه ایی ممکن نیست. به همین دلیل، اجرای عدالت و اصلاحات اساسی، سنگین‌ترین مرحله استقرار حکومت الهی است. این در حالی است که، اگر کسی جرمی انجام دهد و شما می‌خواهید آن را پیگیری نموده و اعمال مجازات نماید، هزاران دست بیرون آمده و از مجرم حمایت می‌کند و ما این فتنه‌های داخلی را هم داشته‌ایم.<sup>۹۰</sup>

رئیس‌جمهور با ذکر موفقیت‌های مختلف دولت نهم در حوزه‌های اقتصادی، عمرانی و علمی می‌گوید:

در طول پنج سال قبل از این دولت، در مجموع ۴۲ هزار پروژه عمرانی در کشور شروع شد و در طول پنج سال ۱۹ هزار پروژه تمام شد. ۱۳ هزار پروژه آن در دولت نهم تمام شد. ۱۰ الی ۱۲ هزار آن را هم الان داریم تمام می‌کنیم. در این دولت، ۹۹ هزار پروژه شروع شده که در خلال این دو سال و نیم، ۴۹ هزار از آنها تمام شده است. در بخش علمی و تولید علم، در همین دو سال و نیم به اندازه کل این پنج سال تولید علم صورت گرفته است. در این مدت، بیش از کل پنج سال تولید اختراع داشتیم. فقط در سال ۸۶، یک و نیم برابر کل پنج سال تولید اختراع انجام شد.

اقتصاد را باید از ریشه بسازیم. دیگران چقدر فریاد زدند که ما باید واردات را کنترل کنیم و صادرات کنیم تا اشتغال درست بشود. کدام دولت این کار را کرد؟

روزی که ما دولت را تحویل گرفتیم، ۳۶ میلیارد دلار واردات بود و ۷/۵ میلیارد دلار صادرات. اما الان ۴۵ الی ۴۶ میلیارد واردات است. ۲۱ میلیارد دلار صادرات.<sup>۹۱</sup>

رئیس جمهور، افرادی را که اجرای طرح تحول اقتصادی را انتخاباتی می‌دانند، افراد غرق در حزب و گروه توصیف نموده و می‌افزاید: «اگر اینطور است اجازه بدهید دیگران رأی بیاورند، ولی حتی اگر یک روز از دولت نهم باقی ماند باشد، این طرح باید اجرا شود.»<sup>۹۲</sup>

همچنین، همان‌طور که قبلاً یادآوری شد، رئیس جمهور، اقتصاددانان و نویسندگان نامه‌های اقتصادی<sup>۹۳</sup> را طی نامه‌ی متقابلی به ترسیم الگوی نوین اقتصادی دعوت نمود.

سخنگوی کار گروه تحول اقتصادی در پاسخ به انتقادهای، ۹ محور از جهت‌گیری‌های اساسی لایحه‌ی عدالت محوارانه هدفمند کردن یارانه‌ها را شامل محورهای زیر دانسته است: تخصیص بهینه منابع، بهینه‌سازی و ارتقای فناوری، افزایش بهره‌وری عوامل تولید و توزیع عادلانه بین نسلی منابع تجدید ناپذیر کشور، کاهش وابستگی بودجه دولت به منابع نفتی، تسریع در اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، گسترش فضای رقابتی بین فعالیتهای اقتصادی و ایجاد مزیت‌های جدید، مدیریت مصرف منابع جهت جلوگیری از مصرف بی‌رویه آنها.<sup>۹۴</sup>

از سوی دیگر، وزیر اقتصاد و دارایی و دبیر کارگروه تحولات اقتصادی، در واکنش به نامه شصت اقتصاددان و در دفاع از طرح تحول اقتصادی و هدفمند کردن یارانه‌ها، از تدوین بسته سیاسی مکمل در کنار لایحه مزبور خبر داده و با بیان اینکه، اصلاح قیمت‌ها بر روی بخش‌های مختلف آثار متفاوتی دارد، عنوان داشته است:

پرتال جامع علوم انسانی

در لایحه هدفمند کردن یارانه‌ها، شیوه‌های جبران پیش بینی شده و قرار است برای برخی موارد خاص روش ترجیح قیمت را برای مواردی که قابل کنترل است اعمال کنیم. در خصوص برخی از کالاها، که مورد مصرف عمومی هستند، حدس می‌زنیم ممکن است اختلالاتی ایجاد یا کمبودهایی ایجاد شود، برنامه تنظیم بازار را مدنظر قرار خواهیم داد و وزارت بازرگانی پیش بینی و تدارکات لازم برای مقابله با چنین موضوعی را پیش بینی کرده است.<sup>۹۵</sup>

وی اصلاح قیمت‌ها را سبب افزایش کارایی و بهره‌وری دانسته و معتقد است: «نتیجه این طرح جز اصلاح ساختارهای تورمی نخواهد بود. به نظر وزیر مزبور، «طرح تحول اقتصادی یک برنامه اصلاح ساختار است و ضمن اینکه از مبانی علمی دقیقی برخوردار است، نیازمند یک پشتیبانی عمومی و ایجاد یک فضای ثبات و آرامش است»<sup>۹۶</sup>. وی گفته است: «نظرات موجود در نامه اقتصاددانان را بررسی و مورد استفاده قرار خواهیم داد»<sup>۹۷</sup>

لازم به یادآوری است، در خرداد سال ۸۶، هشت اقتصاددان صندوق بین‌المللی پول به برخی نقاط قوت عملکرد اقتصادی دولت نهم در سال ۸۴ و ۸۵ اشاره نموده‌اند. در گزارش این افراد، پیش‌بینی رشد ۶ درصدی، افزایش ذخایر ارزی، کاهش بدهی خارجی، رشد صادرات غیر نفتی، آغاز اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی، تمرکز سیاست‌ها بر کاهش تبعیض، کاهش نرخ بیکاری به ۱۰/۲ درصد، کاهش نرخ سود، افزایش اعتبارات بخش خصوصی، افزایش ۵ درصد سهام بورس، پیگیری خصوصی‌سازی با قوت بیشتر، توسعه بنگاه‌های کوچک، تلاش برای حذف یارانه سوخت، ثبات نرخ ریسک سرمایه و مبارزه با پولشویی به عنوان نقاط قوت دولت نهم در سال‌های ۸۴ و ۸۵ عنوان شده است. بنابراین گزارش، نرخ تورم بالا، اتخاذ سیاست‌های پولی انبساطی، ثبات نرخ ارز، عدم برنامه ریزی برای جلب اعتماد سرمایه‌گذاران، برداشت زیاد از حساب ذخیره

ارزی، کندی اجرای اصل ۴۴، افزایش هزینه‌های جاری، عدم استقلال بانک مرکزی، رشد نقدینگی و عدم کاهش تعرفه‌ها از نقاط ضعف دولت نهم ارزیابی شده است.<sup>۹۸</sup>

### نتیجه‌گیری

۱. بررسی جایگاه عدالت در گفتمان‌های سیاسی، اجتماعی جمهوری اسلامی نشان می‌دهد که، متأسفانه معمولاً این گفتمان‌ها، رویکردهای تک سویه، و عملکردهای افراطی و تفریطی داشته‌اند. به عنوان نمونه، در گفتمان سازندگی، عدالت و جنبه‌های فرهنگی و ارزشی تاحدودی مغفول انگاشته شده است. و در گفتمان اصلاح طلبی، با نگرش افراطی، به توسعه سیاسی پرداخته شد و مسائل اقتصادی، معیشتی، عدالت و ارزش‌ها دچار نگرش تفریطی شده است. در این دوران، در اثر افراط‌گرایی سیاسی و مجادلات بی پایان جناحی، کشور دچار بی‌ثباتی‌ها و ناآرامی‌های فراوان گردید.

۲. همچنان‌که بیان شد، با روی کار آمدن دولت نهم، گفتمان اصول‌گرایی عدالت خواه، با احیای ارزش‌ها و آرمان‌های انقلاب، بر محور دال مرکزی «ولایت»، دال‌های چهارگانه «عدالت گستری»، «مهرورزی»، «پیشرفت و تعالی مادی و معنوی»، و «خدمت‌رسانی» را مفصل بندی و چینش نمود و تلاش کرد که توجه ویژه و مبنایی خود را بیش از سایر گفتمان‌ها به موضوع عدالت و عدالت گستری معطوف کند.<sup>۹۹</sup>

۳. مستندات پژوهش نشان می‌دهد که مقام رهبری، حمایت گفتمانی ویژه‌ای از گفتمان اصول‌گرایی عدالت خواه داشته‌اند. این گفتمان را احیاگر آرمان‌ها، ارزش‌ها و شعارهای انقلاب دانسته‌اند. هرچند ایشان این گفتمان را همانند دو گفتمان قبلی اصلاح طلبی و سازندگی، از نقدها و تذکرات جدی و توصیه‌های

لازم، بی بهره نگذاشته‌اند و با شفافیت و ژرف اندیشی ویژه‌ای، راهکارهای کارآمدی و اثربخشی بیشتر این گفتمان را یادآور گشته‌اند. همچنان‌که این رویه، توسط ایشان در قبال سایر گفتمان‌های انقلاب اسلامی نیز انجام شده و مسبوق به سابق است.

۴. همچنین در گفتمان اصول‌گرایی عدالت خواه، اگرچه به کم داشت‌های گفتمان‌های قبلی در حوزه عدالت و ارزش‌ها توجه ویژه شد، اما به موضوع عدالت، بیشتر از زاویه اقتصادی توجه گردید. هر چند در حوزه اجرای عدالت اقتصادی هم، تحقق این منویات دچار مشکلات و شتابزدگی‌هایی گردید و تورم حاصل از افزایش و تزریق غیرکارشناسانه نقدینگی، دامن عموم جامعه را گرفت و بسیاری از کارشناسان و صاحب نظران اقتصادی، به انتقاد و هشدار دهی نسبت به طرح‌های اقتصادی مانند طرح تحول اقتصادی و اعطای سهام عدالت و تزریق بی حساب نقدینگی و امثال آن، که با هدف تحقق عدالت طراحی شده‌اند، پرداختند و بر ضرورت طراحی علمی و اجرای کارشناسانه‌تر و پخته‌تر و فارغ از شتابزدگی این گونه جراحی‌های اقتصادی اصرار ورزیدند.

۵. از سوی دیگر، اگرچه دولت نهم، بنا به قول دولتمردان و کارگزاران آن، «دولت کار» بود ولی از حیث نظریه پردازی و جنبش نرم افزاری و تبیین مفاهیم دقیقی مانند عدالت<sup>۱۱</sup>، و اجرای کارشناسانه و علمی آن دچار کاستی‌های جدی گردید. این ضعف نرم افزاری در حوزه تئوری‌ها، الگوها، و برنامه‌ریزی اقتصادی کشور نمود بیشتری داشت. در این مدت، نظام مالی، اقتصادی و بانکی کشور فراز و نشیب‌های زیادی را طی کرد. این امر انتقاد بسیاری از اقتصاددانان و صاحب نظران را به دنبال داشت، به عنوان نمونه، در مورد اجرا و تحقق عدالت توسط ابزارهایی مانند سهام عدالت، بحث‌های جدی و تئوریک‌کی قابل طرح است. برای مثال می‌توان پرسید که آیا چهل و چهار میلیون نفر گیرندگان این سهام، دارای

استحقاق گرفتن این سهم هستند؟ اساساً آیا ملاک‌های برخورداری این عده از برخورداران سهام از نابرخورداران، به خوبی و دقت تعریف و تعیین شده است. آیا ملاک دهک‌های درآمدی می‌تواند ملاک خوبی برای دریافت این سهام، و حتی تقسیم بندی و رتبه بندی خود گیرندگان باشد؟ آیا پرداخت دائم این سهام می‌تواند عادلانه باشد؟ آیا پرداخت نقدی بهترین و عادلانه‌ترین شیوه است؟ و آیا این شیوه پرداخت موجب افزایش همیشگی نقدینگی و دارای بازتاب‌های تورمی شدیدی نخواهد بود و قدرت خرید مردم را بیش از پیش کاهش نخواهد داد؟ آیا این دریافت نقدی، با شأن و منزلت و عزت مندی این خیل عظیم گیرندگان متناسب است؟ آیا این‌گونه پرداخت‌ها، با فرهنگ اسلامی و جهانی ترغیب و تشویق کار و تلاش متنافر نیست و منجر به تبدیل دولت به یک کمیته امداد بزرگ نخواهد گردید که مددجویان آن، قشر عظیمی از ملت خواهند بود؟ اساساً اگر کسی در میدان تلاش و کوشش توانسته باشد به منزلت مالی بالاتری دست یابد، چرا باید به جای تشویق، با جریمه‌هایی مانند عدم دریافت سهام، و عدم برخورداری از یارانه‌ها روبرو شود؟ آیا این امر منجر به تضعیف طبقات کوشا و مولد جامعه و گسترش بینواپروری نخواهد شد؟ همچنین با توجه به محدودیت منابع مالی کشور و وابستگی آن به اقتصاد پرفراز و نشیب تک‌محصولی نفتی و فشارهای دائمی اقتصادی جهان خواران بر کشور انقلابی ایران، آیا همواره می‌توان به پرداخت این سهام به مثابه یک جیره اقتصادی دائم اقدام نمود و در مقاطع اضطراری این توقع و مطالبه ایجاد شده را بی پاسخ گذاشت؟ متأسفانه در دولت نهم و توسط دولتیان، این سؤالات - چه در سطوح دولت و چه در مجامع اسلامی و دانشگاهی - طرح و به صورت شفاف پاسخ داده نشده است. همچنان که دقیقاً مشخص نیست که با وجود تعاریف متعدد از عدالت، کدام تعریف از این مفهوم محوری، مد نظر سیاست گذاران دولت نهم بوده و هست؟

۶. هر حال، هیچ‌کدام از گفتمان‌های انقلاب اسلامی، چه در حوزه تحقق عدالت و چه در مورد اجرای سایر ارزش‌های اسلامی، نمونه کامل و آرمانی اجرای اهداف و آرمانهای انقلاب اسلامی و منویات بلند امام راحل علیه السلام و مقام رهبری نبوده‌اند. ولی کلیه این گفتمان‌ها، در تعاقب و تکامل یکدیگر و جبران نقائص هم مطرح و به گونه‌ای مقطعی تثبیت شده‌اند. به همین دلیل کلیه گفتمان‌های مزبور، اعم از سازندگی، اصلاح طلبی، و اصول‌گرایی عدالتخواه، دارای تأثیرات عملی و ایجابی گسترده‌ای در حوزه‌های سیاسی و اجتماعی و اقتصادی بوده‌اند. می‌توان گفت: هر کدام از آنها که در مرحله زمانی پسینی‌تر از گفتمان قبلی بوده، دارای مزیت‌های بیشتری نسبت به گفتمان قبلی بوده است؛ زیرا تلاش نموده تا معایب گفتمان قبلی را از خود پیرایش نماید. از این‌رو، می‌توان گفتمان اصول‌گرایی عدالت خواه را، دست کم در حوزه مفصل بندی و ارائه دال‌های خود، از دو گفتمان قبلی کم‌عیب‌تر دانست. و توجه آن را به موضوع عدالت و عدالت گستری، بسیار افزون‌تر از گفتمان‌های قبلی دانست و عدالت خواهی را باید ویژگی اصلی و مبنایی این گفتمان و نظام معنایی آن در عرصه داخلی و خارجی به شمار آورد. هر چند این گفتمان نیز در زمینه اجرا و تحقق دال‌های سیاسی و اجتماعی خود با ناکارآمدی‌های مهمی مواجه بوده است و تذاکرات و توصیه‌های مکرر رهبری نیز اشعار بر اهمیت رفع این معایب دارد.

۷. به هر حال، کلیه گفتمان‌های سازندگی، اصلاح طلبی، و اصول‌گرایی عدالت خواه، در جهت تحقق آرمان‌های انقلاب اسلامی، تلاش نظریه پردازانه و اقدامات عملی خود را با طرح دال‌ها و شعارهای لازم ساماندهی کرده‌اند. ولی به طور طبیعی و با وجود موانع و مشکلات تاریخی، ساختاری، عملکردی و...، با ناکارآمدی‌ها و ضعف‌هایی مواجه بوده‌اند. یکی از آنها، عدم پرداخت بهینه در حوزه نظریه پردازی و نهادینه سازی اجرای عدالت می‌باشد. در حقیقت، می‌توان



اذعان نمود که گفتمان اصول‌گرایی عدالت خواه دولت نهم، گام‌های اولیه در این مسیر را با وجود دشواری‌های زیاد برداشته است و موضوع عدالت را به شکل مبنایی و در قالب یکی از دال‌های چهارگانه و بنیادین در نظام معنایی و زیر بنای اقدامات اساسی خود گنجانده است.

۸. بدیهی است گفتمان اصول‌گرایی عدالت خواه دولت نهم، در راستای تحقق کارآمد عدالت و سایر دال‌ها و اهداف آرمانی خویش، می‌بایست با توجه به مقتضیات زمانی و مکانی، دال‌های شناور لازم را اخذ و تثبیت نموده و بدین وسیله، بر کارایی و اثربخشی و به هنگامی خود بیفزاید و همواره با فرایند اعمال «بازخورد» و تحقق عملکرد آسیب شناسی و خود انتقادی، به شناسایی معایب خود پردازد. براساس شاخص مهم اهداف و آرمان‌های اصیل انقلاب اسلامی و رهنمودهای رهبری و توجه به دیدگاه‌های صاحب نظران، و با تقویت حوزه کارشناسی و تعامل بیشتر و سازنده‌تر با نخبگان و متخصصان، خود را بهسازی و سامان دهی مجدد نماید. بدیهی است، توجه به موارد مزبور، به افزایش کارآمدی و اثربخشی گفتمان اصول‌گرایی عدالت خواه و سایر گفتمان‌های انقلاب اسلامی در حوزه‌های نظری و عملی خواهد انجامید و نتیجه محصول چنین فرایندی، شکل‌گیری گفتمان‌های سیاسی، اجتماعی کارآمدتر، و با پویایی و تناسب بیشتر با اهداف و آرمان‌های بلند و متعالی انقلاب اسلامی و تحقق افزون‌تر آنها، از جمله عدالت خواهی و عدالت گستری - خواهد بود.

پی‌نوشت‌ها.....

1. chaim Prelman. *justice et Raison*, edition de universitie de Bruxelles ,2ed,1970, P.12,13,14.
2. Chaim Prelman. *justice et Raison*, p.12,13,14.
۳. حسین بشیریه، *دولت عقل*، تهران، ص ۲۹.
4. Brayan M. barry.
۵. بریان باری، عدالت و خیر عمومی در آنتونی کوئینتن (ویراسته) فلسفه سیاسی، مرتضی اسعدی، ص ۳۷۶.
۶. همان، ص ۳۸-۳۹.
۷. عبدالکریم سروش، *دانش و دادگری*، کیان، ش ۲۲، ص ۱۰-۱۱.
۸. محمدباقر صدر، *اقتصادنا*، ص ۳۰۳.
۹. این تعریف از عدالت، در کلیه آثار اندیشمندان اسلامی آمده است: برای نمونه ر.ک. به: ابونصر محمدفارابی، *اندیشه‌های اهل مدینه فاضله*، ترجمه و تحشیه سیدجعفر سجادی، ص ۵۷ و ۲۵۸.
۱۰. «العدل یضع الأمور مواضعها»: *نهج البلاغه*، ترجمه و شرح سیدعلینقی فیض الاسلام، کلمه ۴۲۹، ص ۱۲۹۰.
۱۱. خواجه نظام الملک طوسی، *سیاستنامه*، تصحیح عباس اقبال، ص ۲۹۸.
۱۲. همان، ص ۳.
۱۳. عبدالرحمان ابن خلدون، *مقدمه*، ج اول، ص ۷۱-۷۲ و ۵۴۳-۵۳۷؛ ج دوم؛ ص ۷۱۱-۷۱۶.
۱۴. ابونصر محمد فارابی، *فصول المدنی*، تحقیق م. دنلوپ، ص ۱۴۱-۱۴۲؛ خواجه نصیرالدین طوسی، *اخلاق ناصری*، ص ۳۰۱-۳۰۸.

۱۵. خواجه نظام الملک طوسی، سیاست‌نامه، ص ۱۳۶.
۱۶. نهج البلاغه، کلمه ۲۲۳، ص ۱۱۸۸.
۱۷. ابن سینا، الاشارات و التنبيهات، ص ۶۱؛ ابن سینا، الشفاء و الالهيات، ص ۴۴۱.
۱۸. نهج البلاغه، فیض الاسلام، حکمت ۲۳۵، ص ۱۷۱.
۱۹. یاسین عیسی‌العاملی، الاصطلاحات الفقہیہ فی الوسائل العملیہ، ص ۱۳۹.
۲۰. برای اطلاع بیشتر از این تعاریف، ر.ک: بهرام اخوان کاظمی، عدالت در اندیشه‌های سیاسی اسلام.
۲۱. ر.ک: همان.
22. Discourse.
۲۳. برای اطلاع بیشتر ر.ک: دایان مک دانل، مقدمه‌ای بر نظریه‌های گفتمان، ترجمه حسین علی نوذری.
۲۴. دیوید هوارث، «نظریه گفتمان»، ترجمه سیدعلی اصغر سلطانی، فصلنامه علوم سیاسی، ش ۲، پاییز ۱۳۷۷، ص ۱۵۶.
۲۵. عماد افروغ، چالش‌های کنونی ایران، ص ۲۴۹.
۲۶. حسین بشیریه، انتخابات سال ۷۹ از چشم انداز مبارزات طبقاتی در ایران، ص ۸۲.
۲۷. ر.ک: روزنامه اطلاعات، ۳ شهریور ۱۳۶۹، ۱۹ اردیبهشت ۱۳۷۴، ۲۸ اردیبهشت ۱۳۷۶.
۲۸. ر.ک: به؛ عبدالعلی رضایی و عباس عبدی، انتخاب نو، تحلیل‌های جامعه‌شناسانه از واقعه دوم خرداد، ص ۷-۹.
۲۹. محمد صفایی دلویی، جنبه مشارکت ایران، ص ۳۳-۳۴.
۳۰. ر.ک: به؛ علی اشرف نظری، بهاره سازمند، گفتمان هویت و انقلاب اسلامی ایران، ص ۳۳۰.
۳۱. ر.ک: به؛ برنامه دولت نهم.
۳۲. همان، ص ۷-۹.
۳۳. همان، ص ۱۱.
۳۴. همان، ص ۴۵.
۳۵. برای نمونه ر.ک: به؛ احکام انتصابات سید مهدی هاشمی به عنوان سرپرست وزارت کشور (۱۳۸۷/۲/۲۸)، علی احمدی به عنوان وزیر آموزش و پرورش (۸۶/۱۲/۷)، حمید بهبهانی به عنوان وزیر راه ترابری، سید شمس الدین حسینی به عنوان وزیر اقتصاد دارایی (۱۳۸۷/۵/۲۲) (در این زمینه رجوع کنید به قسمت احکام و دستور العمل‌ها، در پایگاه اطلاع رسانی ریاست جمهوری اسلامی ایران: <http://www.president.ir/fa>)
۳۶. همان، (پیام مورخ ۱۳۸۶/۱۰/۱۱)
۳۷. پیام رئیس جمهور به مناسبت آغاز سال تحصیلی ۸۸-۱۳۸۷ (مورخ ۱۳۸۷/۷/۲، ر.ک: به؛ همان)
۳۸. «تشکر کابینه از حمایت رهبر انقلاب از دولت»، پایگاه تحلیلی خبری فردا (<http://www.fardanews.com>)، مورخ ۱۷ دی ۱۳۸۶، کدخبر ۴۳۶۶۴
۳۹. نامه تشکر هیات دولت به محضر رهبر معظم انقلاب، مورخ ۱۱ شهریور ۱۳۸۷، (ر.ک: به؛ پایگاه اطلاع رسانی ریاست جمهوری، بخش آرشیو، پیام‌ها و نامه‌ها: <http://www.president.ir/fa>)

۴۰. بیانات رئیس جمهور در جلسه هیات دولت با عنوان "تلاش بی وقفه دولت برای اجرای سیاست‌های ابلاغی رهبری، مورخ ۱۳۸۷/۱۰/۲۵، پایگاه اطلاع رسانی دولت، دولت آنلاین: <http://www.dolat.ir>
۴۱. بیانات رئیس جمهور در مراسم تودیع و معارفه رؤسای قدیم و جدید دفتر رئیس جمهور، مورخ ۱۳۸۵/۱۲/۵، پایگاه اطلاع رسانی ریاست جمهوری، (بخش آرشیو، احکام و دستور العمل‌ها).
۴۲. بیانات رئیس جمهور در اجتماع مردم لرستان، مورخ ۸ آبان ۱۳۸۷، ر.ک به؛ پایگاه اطلاع رسانی ریاست جمهوری، (بخش آرشیو، سفرهای استانی دوره دوم)
۴۳. بیانات رئیس جمهور در مراسم گرامیداشت یوم الله ۲۲ بهمن، مورخ ۲۲ بهمن ۱۳۸۵، (ر.ک به؛ همان، بخش سخنرانی‌ها)
۴۴. محمود احمدی‌نژاد، «تشریح اصول سیاست‌های خارجی دولت نهم در جمع سفرا»، مورخ ۲۱ مرداد ۱۳۸۷، پایگاه اطلاع رسانی ریاست جمهوری اسلامی ایران.
۴۵. مجتبی زارعی، حکمت و دیالکتیک، گفتارهایی در اندیشه و روش دکتر محمود احمدی‌نژاد رئیس جمهوری اسلامی ایران، مقدمه پروفیسور حمید مولانا، ص ۲۲-۲۳.
۴۶. برای اطلاع بیشتر از دیدگاه‌های رئیس جمهور احمدی‌نژاد در حوزه سیاست خارجی، به سه کتاب زیر، که توسط مرکز پژوهش و اسناد ریاست جمهوری در سال ۱۳۸۷ چاپ و منتشر شده، مراجعه کنید.
۴۷. بیانات رئیس جمهور در اجلاس هیات خبرگان، مورخ ۱۵ اسفند ۱۳۸۶، (ر.ک به؛ پایگاه اطلاع رسانی ریاست جمهوری، بخش آرشیو، سخنرانی‌ها) و بیانات رئیس جمهور در جمع فرماندهان نیروی مقاومت بسیج، مورخ ۵ آذر ۱۳۸۷، (ر.ک به؛ همان)
۴۸. چکیده عملکرد سه ساله دولت مردمی، شهریور ۱۳۸۴، تهران، دبیرخانه شورای اطلاع رسانی دولت، انتشارات اسوه، شهریور ۱۳۸۷.
۴۹. همان، ص ۱۹-۲۱.
۵۰. برای اطلاع بیشتر در این باره، ر.ک به؛ بهرام اخوان کاظمی، *گفتمان اصول‌گرایی و نقد و بررسی آن از منظر مقام معظم رهبری*، ماهنامه معرفت، شماره ۱۳۸، خرداد ۱۳۸۸، ص ۱۳-۳۳.
۵۱. بیانات مقام رهبری در دیدار با رئیس جمهوری و اعضای هیات دولت، مورخ ۱۳۸۷/۶/۲. (ر.ک: پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام رهبری: <http://www.leader.ir>)
۵۲. ر.ک به، بیانات مقام رهبری در دیدار رئیس و نمایندگان مجلس شورای اسلامی، مورخ ۱۳۸۵/۳/۷ (ر.ک: پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری، <http://www.leader.ir>)
۵۳. بیانات رهبر انقلاب اسلامی در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی، مورخ ۱۳۸۵/۳/۲۹ (ر.ک: همان)
۵۴. بیانات رهبری انقلاب اسلامی در دیدار با رئیس جمهور و اعضای هیئت دولت، مورخ ۱۳۸۵/۶/۶، (ر.ک: همان)
۵۵. همان، مورخ ۱۳۸۶/۶/۴
۵۶. بیانات رهبر انقلاب اسلامی در دیدار با رئیس جمهوری و اعضای هیئت دولت، مورخ ۱۳۸۷/۶/۲، (ر.ک: همان)
۵۷. همان.
۵۸. بیانات رهبر انقلاب اسلامی در دیدار با رئیس جمهوری و اعضای هیئت دولت، مورخ ۱۳۸۶/۶/۴، (ر.ک: همان)

۵۹. بیانات رهبر انقلاب اسلامی در دیدار با مردم گرمسار، مورخ ۱۳۸۵/۸/۲۱، (ر.ک: همان)
۶۰. بیانات رهبر انقلاب اسلامی در دیدار با رئیس جمهوری و اعضای هیئت دولت، مورخ ۱۳۸۷/۶/۲، (ر.ک: همان)
۶۱. بیانات رهبر انقلاب اسلامی در دیدار با رئیس جمهوری و اعضای هیئت دولت، مورخ ۱۳۸۵/۶/۶، (ر.ک: همان)
۶۲. بیانات رهبر انقلاب اسلامی در دیدار با مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی، مورخ ۱۳۸۵/۳/۲۹، (ر.ک: همان)
۶۳. همان
۶۴. بیانات رهبر انقلاب اسلامی در دیدار با کارگزاران، مورخ ۱۳۸۴/۸/۸، (ر.ک: همان)
۶۵. بیانات رهبر انقلاب اسلامی در دیدار با رئیس جمهوری و اعضای هیئت دولت، مورخ ۱۳۸۵/۶/۶، (ر.ک: همان)
۶۶. بیانات رهبر انقلاب اسلامی در دیدار با رئیس جمهور اعضای هیئت دولت، مورخ ۸۷/۶/۲ (ر.ک: همان)
۶۷. ر.ک بیانات رهبر انقلاب اسلامی در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام، مورخ ۱۳۸۵/۳/۲۹ (ر.ک: همان)
۶۸. بیانات رهبر انقلاب اسلامی در دیدار با رئیس جمهور و هیئت دولت مورخ ۱۳۸۶/۶/۴ (ر.ک: همان)
۶۹. بیانات رهبر انقلاب اسلامی با رئیس جمهور و هیئت دولت، مورخ ۱۳۸۷/۶/۲ (ر.ک: همان)
۷۰. بیانات رهبر انقلاب اسلامی در دیدار رئیس جمهور و جمعی از مدیران اجرایی و کارگزاران سراسر کشور، مورخ ۱۳۸۶/۴/۹ (ر.ک: همان)
۷۱. بیانات رهبر انقلاب اسلامی در دیدار با رئیس جمهور و اعضای هیئت دولت، مورخ ۱۳۸۵/۶/۶ (ر.ک: همان)
۷۲. بیانات رهبر انقلاب اسلامی در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام، مورخ ۱۳۸۵/۳/۲۹، (ر.ک: همان)
۷۳. کلمه تورم در مباحث اقتصادی روزمره به عنوان یک اصطلاح، تعابیر مختلفی از قبیل کاهش ارزش پول، افزایش حجم پول درون جامعه، افزایش سطح قیمت و افزایش مصارف و غیره را به خود می‌گیرد، باین تعریف، ارائه یک تعریف واحد از تورم مشکل به نظر می‌رسد. اما در لفظ ساده اقتصادی، افزایش سطح عمومی قیمت‌ها را تورم می‌گویند. در حالت تورم، زمانی که پول ملی یک کشور دچار کاهش ارزش می‌شود، افراد آن جامعه کوشش می‌کنند تا پول خویش را با اجناس با ارزش تر مبادله کنند، با تصور اینکه در آینده باز هم ارزش پول تنزل خواهد یافت. در نتیجه همین حرکت، میزان تقاضای اجناس به شدت افزایش می‌یابد و طی این عمل، قیمت‌ها سیر صعودی به خود می‌گیرد و باز هم با کاهش ارزش پول ملی، قدرت خرید مردم کاسته می‌گردد.
۷۴. «نامه هشدار گونه ۵۰ اقتصاد دان به رئیس جمهوری» مورخ ۲۵ خرداد ۱۳۸۵ کد خبر: ۲۰۷۱۸ مندرج در پایگاه تحلیلی خبری فردا: <http://www.fardanews.com>
۷۵. نامه ۶۰ اقتصاد دان به رئیس جمهور مورخ ۱۸ آبان ۱۳۸۷ کد خبر: ۲۴۵۶۴، پایگاه خبری تحلیلی تابناک: <http://www.tabnak.ir>
۷۶. دعوت رئیس جمهور از استادان دانشگاهی برای مشارکت در طرح ریزی جدید اقتصادی سالم، پویا و پایدار، مورخ ۱۱ آبان ۱۳۸۷، پایگاه اطلاع رسانی ریاست جمهوری اسلامی ایران، بخش آرشیو، پیامها و نامه‌ها.
۷۷. نامه رئیس جمهور به علما و صاحب نظران اقتصادی حوزوی، مورخ ۱۱ آبان ۱۳۸۷، همان
۷۸. روزنامه جام جم، ۷ آبان ۱۳۸۶، شماره ۲۱۳۲، ص ۲
۷۹. همان

۸۰. پایگاه خبری فردا، مورخ ۲۵ فروردین ۱۳۸۵ کد خبر: ۴۹۹۰۵
۸۱. گفت و گو با دکتر محمد خوش چهره، فروپاشی اقتصادی فرجام اقدامات نا آگاهانه، مندرج در پایگاه تحلیلی خبری فردا، مورخ ۱۵ مرداد ۱۳۸۷ کد خبر ۱۴۸۵۳.
۸۲. تورم تفصیر دولت است، مندرج در پایگاه تحلیلی خبری فردا، مورخ ۲۳ فروردین ۱۳۸۷، کد خبر: ۴۹۷۸۲.
۸۳. همان.
۸۴. اعطای سهام عدالت مشکل را حل نمی‌کند، روزنامه خبر، مورخ ۲۹ دی ماه ۱۳۸۷، شماره ۸۰۰۷ ص ۲.
۸۵. همان.
۸۶. هشدار اقتصادی جمعیت ایثارگران به دولت، ۲۷ شهریور ۱۳۸۶ کد خبر: ۷۵۳۸۸، پایگاه خبر رسانی بازتاب: <http://www.baztab.com>
۸۷. همان
۸۸. همان
۸۹. گزارش رئیس جمهور از عوامل تورم و گرانی به مردم، خبرگزاری فارس، مورخ ۲۶ آذر ۸۶، شماره ۸۶۰۹۲۶۰۰۱
۹۰. ر.ک: الهام، «مجلس هفتم بیشترین برخورد را با دولت داشت»، همان، مورخ ۵ خرداد ۱۳۸۷، کد خبر: ۵۲۶۵۱
۹۱. «سخنرانی خبرساز احمدی نژاد در جمع روحانیون مشهد»، پایگاه خبری تحلیلی فردا، مورخ ۱۸ اردیبهشت ۱۳۸۷، کد خبر: ۵۱۴۷۱
۹۲. «جراحی اقتصادی حتی در روز آخر دولت نهم»، مشروح گفتگوی احمدی نژاد در سیما، پایگاه خبری تحلیلی فردا، مورخ ۲۵ تیر ۱۳۸۷، کد خبر: ۵۵۹۴۹.
۹۳. نقدهای محدودی هم بر این نامه‌ها نوشته شده است. مثلاً یکی از نویسندگان، در نقد نامه ۶۰ اقتصاددان نوشته است که نامه منتشر شده بسیار کم محتوا و بدون ارائه هرگونه مدل علمی و اقتصادی است و فقط به کلی گویی و سیاه نمایی از اوضاع اقتصادی کشور پرداخته است. ر.ک به: صادق خلیلیان، «نکاتی پیرامون نامه ۶۰ اقتصاددان و چند پرسش؟»، کیهان، مورخ ۲۹ آبان ۱۳۸۷، شماره ۱۹۲۳۵، ص ۶.
۹۴. محمدرضا فرزین، «۹ محور اساسی لایحه هدفمند کردن یارانه»، پایگاه خبری تحلیلی فردا، مورخ ۲ مهر ۱۳۸۷، کد خبر ۶۱۳۶۸
۹۵. سید شمس الدین حسینی، «واکنش وزیر اقتصاد به نامه اقتصاددانان»، پایگاه خبری تحلیلی فردا، مورخ ۱۹ آبان ۱۳۸۷، کد خبر: ۶۵۶۸۶
۹۶. همان.
۹۷. همان.
۹۸. «گزارش: اقتصاددان جهان از ۱۵ موفقیت اقتصادی دولت نهم»، پایگاه خبری آفتاب نیوز، مورخ ۲۲ خرداد ۱۳۸۶، <http://www.aftabnews.ir> و خبرگزاری فارس، مورخ ۱۳۸۶/۳/۲۳.

۹۹. برای اطلاع بیشتر در این باره، ر.ک: بهرام اخوان کاظمی، نقد و ارزیابی گفتمان های سیاسی و اجتماعی مطرح در ایران ( از ۲ خرداد ۱۳۷۴ تا ۲۲ خرداد ۱۳۸۸)، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ( زیر چاپ).
۱۰۰. برای اطلاع بیشتر از تعارف متعدد عدالت، ر.ک: اخوان کاظمی، عدالت در اندیشه های سیاسی اسلام، پیشین.



## منابع

- نهج البلاغه، ترجمه و شرح سیدعلینقی فیض الاسلام، تهران: بی‌نا، ۱۳۵۱ ش.
- آل اسحاق، یحیی، «حوزه اقتصاد جای حرفهای خاکستری نیست»، *روزنامه جام جم*، مورخ ۱ شهریور ۱۳۸۶، شماره ۲۰۸۰، ص ۷.
- آل اسحاق، یحیی، «دلایل تورم در گزارش اتاق بازرگانی تهران»، *روزنامه جام جم*، ۱۹ فروردین ۱۳۸۷، شماره ۲۲۵۱، ص ۴.
- ابن خلدون، عبدالرحمان، مقدمه، ج اول، ترجمه محمد پروین گنابادی، چ پنجم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۶.
- ابن سینا، *الإشارات والتنبيهات*، ج چهارم، تهران: دفتر نشر کتاب، ۱۳۶۲.
- ابن سینا، *الشفأ والألهیات*، به کوشش الاب قنواتی و سعید زاید، قاهره، ۱۹۶۴ م.
- احمدی نژاد، محمود، «گفتمان اصول‌گرایی و نقد و بررسی آن از منظر مقام معظم رهبری»، *ماهنامه معرفت*، ش ۱۳۸، خرداد ۱۳۸۸، ص ۱۳-۳۳.
- احمدی نژاد، محمود، افروغ، عماد، *چالش‌های کنونی ایران*، تهران، حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۰.
- احمدی نژاد، محمود، العاملی، یاسین عیسی، *الاصطلاحات الفقهیه فی الرسائل العملیه*، بیروت، دارالبلاغه، ۱۴۱۳ ق. ۱۱.
- احمدی نژاد، محمود، *حقیقت، گوهر گمشده، جهان و سیاست*، مرکز پژوهش و اسناد ریاست جمهوری، ۱۳۸۷.
- احمدی نژاد، محمود، *دیپلماسی نامه*، مرکز پژوهش و اسناد ریاست جمهوری، ۱۳۸۷.
- احمدی نژاد، محمود، *عدل و صلح*، مرکز پژوهش و اسناد ریاست جمهوری، ۱۳۸۷.
- احمدی نژاد، محمود، *نقد و ارزیابی گفتمان‌های سیاسی و اجتماعی مطرح در ایران* (از ۲ خرداد ۱۳۷۴ تا ۲۲ خرداد ۱۳۸۸)، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، (زیر چاپ).
- اخوان کاظمی، بهرام، *عدالت در اندیشه‌های سیاسی اسلام*، قم، بوستان کتاب، چ دوم، ۱۳۸۶.
- الهام، غلامحسین، «سخنرانی در جمع دانشجویان دانشگاه امام صادق (ع)»، *روزنامه خبر*، شماره ۷۹۸۸، مورخ ۱۳۸۷/۱۰/۴، ص ۳۸.
- باری، برایان، «عدالت و خیر عمومی» ر.ک: آنتونی کوئینتن (ویراسته) *فلسفه سیاسی*، مرتضی اسعدی، تهران، ۱۳۷۴.
- برنامه دولت نهم، تهران: دبیرخانه شورای اطلاع رسانی دولت، مرداد، ۱۳۸۴.
- بشیریه، حسین، *انتخابات سال ۷۹ از چشم انداز مبارزات طبقاتی در ایران*، تهران، علوم نوین، ۱۳۷۸.